

ANCIENT IRANIAN STUDIES

پژوهشنامه ایرانی باستان

سرنخ‌هایی از شماری خانه‌اشرفی، چند آتشکده و دو سه بنای حکومتی دوره تاریخی در استان کرمانشاه؛ براساس تحلیل پایه‌های سنگی، پایه‌ستون‌ها و ساقه‌ستون‌های نو یافته نویسنده (گان): سجاد علی بیگی، شهرام علی یاری، ناصر امینی خواه، فرهاد فتاحی منبع: پژوهشنامه ایران باستان، سال ۱، شماره ۱: ۸۱-۱۳۴. گروه پژوهشی باستان کاوی تیسافرن

Some Clues of a Number of Manor Houses, Fire Temples and Governmental Buildings Belong to the Historical Period in the Kermanshah Province, Based on Analysis of New Finds Column Bases, Shafts and Stone Bases

Author(s): Sajjad Alibaigi, Shahram Aliyari, Naser Aminikhah, Farhad Fatahi

Source: Ancient Iranian Studies, 2022, VOL. 1, NO. 1: 81-134.

Published by: Tissaphernes Archaeological Research Group

Stable URL:

https://www.ancientiranianstudies.ir/article_146351_3aa067d56094f89853cd8d0939f09di.pdf



© 2022 The Author(s). Published by Tissaphernes Archaeological Research Group, Tehran, Iran. **Open Access.**

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits non-commercial re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The ethical policy of Ancient Iranian Studies is based on the Committee on Publication Ethics (COPE) guidelines and complies with International Committee of Ancient Iranian Studies Editorial Board codes of conduct. Readers, authors, reviewers and editors should follow these ethical policies once working with Ancient Iranian Studies. The ethical policy of Ancient Iranian Studies is liable to determine which of the typical research papers or articles submitted to the journal should be published in the concerned issue. For information on this matter in publishing and ethical guidelines please visit www.publicationethics.org.



سرنخ‌هایی از شماری خانه‌اشرفی، چند آتشکده و دو سه بنای حکومتی دوره تاریخی در استان کرمانشاه؛ براساس تحلیل پایه‌های سنگی، پایه‌ستون‌ها و ساقه‌ستون‌های نیافته

سجاد علی بیگی^۱، شهرام علی یاری^۲، ناصر امینی خواه^۳، فرهاد فتاحی^۴

چکیده

این مقاله به شماری پایه‌ستون، ساقه‌ستون و پایه سنگی متعلق به دوره تاریخی می‌پردازد که طی یکی دو دهه اخیر و در نتیجه بررسی‌ها، کاوش‌ها و کشفیات اتفاقی در استان کرمانشاه به دست آمده‌اند. ما در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد مقایسه‌ای تلاش می‌کنیم ضمن معرفی این پایه‌های سنگی، تا حد امکان قدمت آنها را تخمین زده و با استناد به موقعیت جغرافیایی و بستر باستان‌شناختی برخی از آنها ارزیابی‌هایی از کارکرد آنها داشته باشیم. در نهایت تلاش می‌کنیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا همه پایه‌های سنگی به دست آمده از منطقه کرمانشاه پایه‌های ستون و مربوط به بناهای ستوندار بوده‌اند یا به احتمال کارکرد دیگری غیر از پایه‌ستون داشته‌اند؟ هرچند به دلیل عدم انتشار نتایج بررسی‌ها در بخش عمده‌ای از منطقه و عدم انجام کاوش در اغلب محوطه‌های دارای پایه‌های سنگی، جایگاه و نقش این محوطه‌ها در الگوهای استقراری منطقه قابل درک نیست و ماهیت بناها و بستر باستان‌شناختی یافته‌های سنگی بر ما پوشیده است، به احتمال پایه‌ستون‌های مورد بررسی در این پژوهش، سرنخی از بناهای مختلف از کاخ‌های حکومتی گرفته تا خانه‌های اشرافی در اختیار ما قرار می‌دهند. در مقابل به استناد یافته‌های چهارتاقی میل میله‌گه و آتشکده پلنگ‌گرد و همچنین با استناد به پایه‌های سنگی کشف شده در آتشکده سرخ‌کُتل می‌توان پذیرفت که حداقل برخی از این پایه‌های سنگی نقش پایه‌ستون نداشته و مربوط به بناهای ستوندار نیستند، بلکه به احتمال برخی از آنها در فضای مرکزی محوطه‌های مقدس چون آتشکده‌های زرتشتی کاربرد داشته‌اند. قطعاً درک این موضوع بدون توجه به بافت باستان‌شناختی این یافته‌ها دشوار خواهد بود، اما باید اشاره کرد پایه‌های سنگی خارج از بافت‌های باستان‌شناختی را لزوماً نباید پایه‌ستون‌هایی فرض کرد که بار سقف را تحمل می‌کرده‌اند. با این حال معترفیم که اگر برخی از این پایه‌های سنگی در بستر باستان‌شناختی چون آتشکده‌ها به دست نمی‌آمدند، نمی‌توانستیم تفکیکی میان کاربری آنها به عنوان پایه‌های سنگی با کاربری ویژه در نیایشگاه‌ها با پایه‌ستون‌های متداول معماری داشته باشیم.

واژه‌های کلیدی: پایه سنگی، پایه‌ستون، آتشکده، تالار ستوندار، ایوان ستوندار.

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) Sadjadalibaigi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه، ایران.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۴. مشخصات مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۳۰ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۷/۱۲

استناد: علی بیگی، سجاد، شهرام علی یاری، ناصر امینی خواه، فرهاد فتاحی (۱۴۰۱). "سرنخ‌هایی از شماری خانه‌اشرفی، چند آتشکده و دو سه بنای حکومتی دوره تاریخی در استان کرمانشاه؛ براساس تحلیل پایه‌های سنگی، پایه‌ستون‌ها و ساقه‌ستون‌های نیافته". پژوهشنامه ایران باستان، سال ۱، شماره ۱: ۸۱-۱۳۴.

مقدمه

به استناد کشفیات باستان‌شناختی، معماری ستوندار با پایه‌ستون‌های سنگی تراش‌خورده از نیمه نخست هزاره اول پم در غرب ایران آغاز شده است (معمدی، ۱۳۷۶؛ ملازاده، ۱۳۹۱؛ کلایس، ۱۳۹۷: ۵۳؛ و شکل ۱۴۹ و ۱۵۰ بالا). یافته‌های زیویه سقز و قلاچی بوکان حاکی از این هستند که تالارها یا ایوان‌های ستون‌دار به احتمال تحت تأثیر هنر آشور در معماری غرب ایران ظاهر شدند و پیش از آن چنین شیوه ستون‌سازی در معماری غرب ایران رایج نبوده است. گویا در الگوهای معماری منطقه پایه‌ستون‌های تراش‌خورده بسیار دیر در منطقه رواج یافتند و پایه‌ستون‌های خشتی یا پایه‌ستون‌های ایجاد شده از سنگ‌های تراش‌نخورده در بناهای قرن نهم و هشتم پم چون حسنلو، باباجان، تپه گودین و تپه نوشی جان رایج بوده‌اند (ن.ک: استروناخ و ژف، ۱۳۹۰؛ ۱۵۲؛ گوپنیک، ۱۳۹۵: ۳۰۰؛ Young, 1977; Dyson, 1966). با این حال به احتمال پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی و از دوره سلوکی/اشکانی با تغییر الگوهای سیاسی متمرکز در منطقه و همچنین با قدرت گرفتن خان‌های محلی و اشراف بومی شاهد افزایش شکل‌گیری خانه‌های خان و عمارت‌های اربابی و در نتیجه شاهد افزایش شمار بناهای ستوندار در منطقه هستیم که به احتمال اقامتگاه افراد متمول جامعه و به‌ویژه خان‌ها، اربابان و اشراف بوده است.

هرچند تعداد بناهای ستوندار شناخته شده در منطقه غرب ایران زیاد نیست، اما هنوز هم در رابطه با کارکرد این‌گونه بناها در منطقه چیز زیادی نمی‌دانیم. گذشته از کاوش‌های معبد آناهیتای کنگاور که سرستون‌ها و پایه‌ستون‌های پر شماری از آن به دست آمده و باستان‌شناسان را در خصوص نقشه بنا و محل قرارگیری ستون‌ها راهنمایی کرده، از وضعیت و پلان سایر محوطه‌های دارای

پایه‌ستون‌های تراش‌خورده دوره تاریخی در غرب ایران از هگمتانه (نپتون و دیگران، ۱۳۸۵) و معبد لائودیسه نهاوند (رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰؛ Rahbar, 2006; Rahbar and Alibaigi, 2009) گرفته تا دهبزان، امامزاده عبدالله، و ندرآباد و کُمک پایین در اسدآباد و خُرده چشمه هلیلان (مهریار و کبیری، ۱۳۸۳؛ Mousa-Huff, 1989; 1990) چیز خاصی نمی‌دانیم. به‌ویژه اینکه در مواردی استفاده مجدد و جابه‌جایی اجزاء معماری و به‌ویژه پایه‌ستون‌ها باعث شده نه تنها از کاربری بناهایی که این اجزاء معماری به آن تعلق داشته بی‌اطلاع باشیم، بلکه از محل دقیق برپایی برخی از این ساختمان‌ها نیز بی‌اطلاع بمانیم.

با اینکه پژوهشگران تلاش کرده‌اند به استناد متون جغرافیای تاریخی درباره کارکرد محوطه‌هایی چون بنای بزرگ کنگاور و دهبزان که ستون‌ها و پایه‌ستون‌های متعددی از آنها به دست آمده (Huff, 1989; Mousavi, 1989;)، بحث کنند و آنها را به ترتیب با معبدی برای آناهید از دوره اشکانی (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶) و ایستگاهی از راه شاهی هخامنشی (کبیری و مهریار، ۱۳۸۳) تطبیق دهند، اما به نظر می‌رسد اندک اطلاعات کنونی برای چنین بحث‌هایی کافی نیست. به نظر می‌رسد که فقط بتوان از تعلق پایه‌ستون‌های کتیبه‌دار دوره اردشیر دوم هخامنشی در تپه هگمتانه همدان به یک کاخ شاهانه هخامنشی در هگمتانه باستان پایتخت تابستانی هخامنشیان (بشاش‌کنزق، ۱۳۸۱؛ نپتون و دیگران، ۱۳۸۵: ۵۶) و سرستون و پایه‌ستون‌های محله دوخواهران نهاوند که به استناد کتیبه بزرگ نهاوند به احتمال متعلق به بنایی موسوم به معبد لائودیسه دوره آنتیوخوس سوم سلوکی یا تأسیسات مرتبط با آن بوده‌اند (Rahbar et al., 2014)، تا حدودی مطمئن بود و نمی‌توان درباره ماهیت سایر محوطه‌های منطقه زاگرس مرکزی

بنای بزرگ کنگاور (تصویر ۲) در شرق استان کرمانشاه توجه بسیاری از مستشرقان، مورخان، معماران و باستان‌شناسان را به خود جلب کرده است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: شکل ۳۸۰؛ Flandin and Coste, 1851: Pl. 21-22) تا اینکه در دهه ۴۰ خورشیدی با کاوش‌های سیف‌الله کامبخش‌فرد، ساختمان بزرگی با مجموعه پرشماری از پایه، ساقه و سرستون‌های آهکی سر از زیر خاک بیرون آورد (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶) و با کاوش‌های بیشتر مسعود آذرنوش (Azarnoush, 1981)، احمد کبیری و محمد مهریار (کبیری و مهریار، ۱۳۸۳) اطلاعات مهمی در خصوص معماری مجموعه تاریخی کنگاور و به‌ویژه معماری ستوندار و قدمت آن حاصل آمد (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶؛ مهریار و کبیری، ۱۳۸۳؛ Alibaigi 2017). علاوه بر این اجزای معماری که همگی همخوان و مشابه با یکدیگر هستند، از کاوش فضای داخلی معبد آنهایتا در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ چند پایه‌ستون کوچک گزارش شد (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶: ۴۶، تصویر ۱۸؛ کبیری و مهریار، ۱۳۸۳: ۳۳). کبیری و مهریار اعتقاد دارند این یافته‌ها به‌احتمال نشان می‌دهد که پیش از ساخت این معبد تاریخی در این محل بنا یا ایستگاهی از راه شاهی وجود داشته است (کبیری و مهریار، ۱۳۸۳: ۳۳).

در نیمه قرن ۱۹ میلادی فلاندن و کاست علاوه بر بقایای ستون‌های معبد آنهایتای کنگاور، به وجود سرستون‌های نگاره‌داری در شرق سراب بیستون اشاره کرده‌اند (لوشای، ۱۳۸۵: ج: ۱۳۸؛ Flandin & Coste, 1851). ظاهراً این سرستون‌ها اندکی بعد به تاق‌بستان منتقل شده‌اند، اما چرا و به چه دلیل، نمی‌دانیم. دموورگان که در سال ۱۸۹۱ از تاق‌بستان دیدن کرده است، این سرستون‌ها را در آنجا دیده و از آنها با نام سرستون‌های ساسانی تاق‌بستان

که پایه‌ستون‌ها و سرستون‌های مختلفی از آنها به دست آمده، چندان با اطمینان بحث کرد. نگارندگان در این مقاله تلاش می‌کنند که ضمن معرفی محوطه‌های استان کرمانشاه که بقایای ستون و انواع پایه‌های سنگی از آنها به دست آمده، تحلیلی بر کارکرد و گونه‌شناسی آنها ارائه دهند (تصویر ۱).

پرسش پژوهش

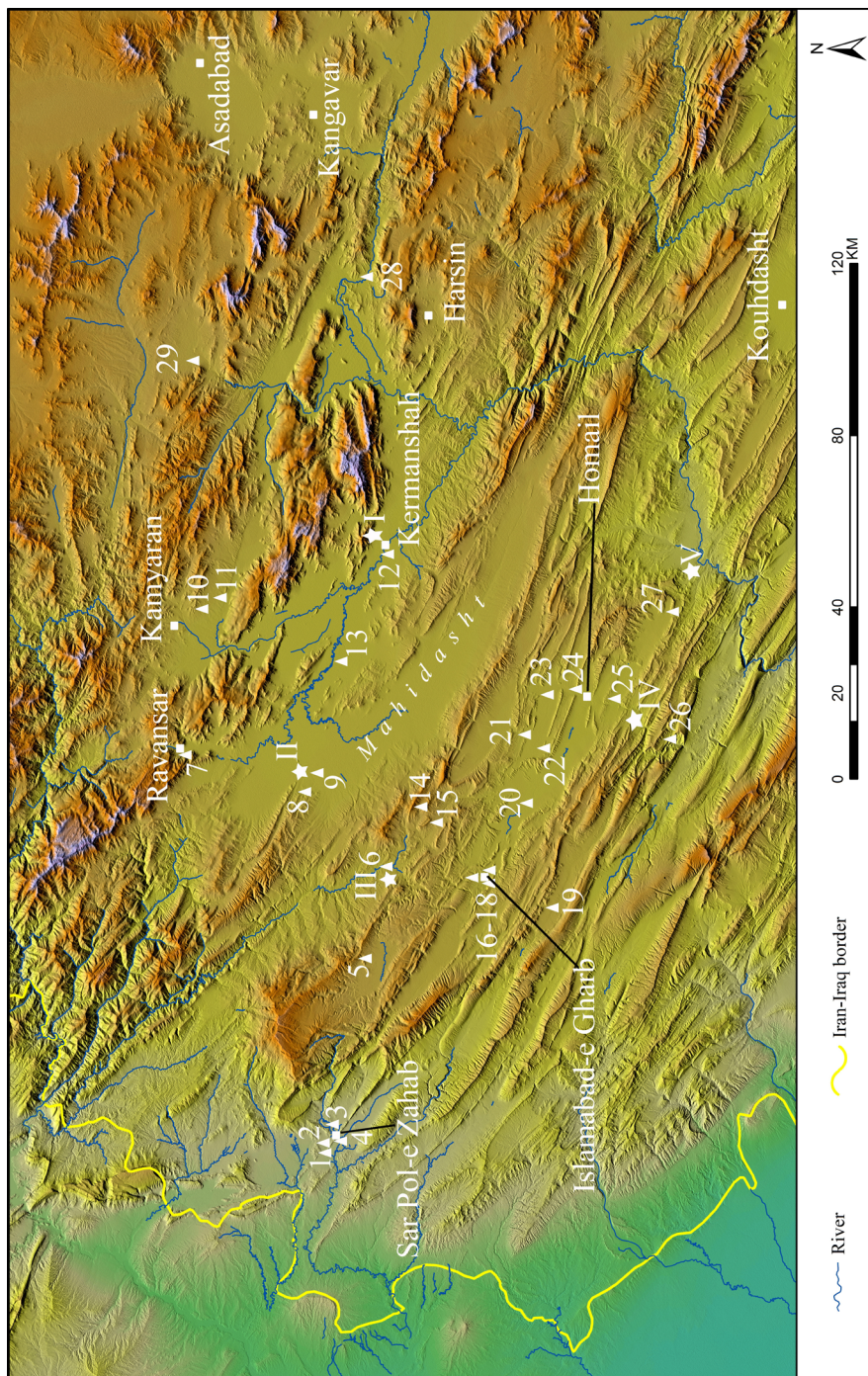
این تحقیق تلاش می‌کند ضمن معرفی شماری پایه‌سنگی دوره تاریخی در استان کرمانشاه، تا حد امکان قدمت آنها را تخمین زده و کارکرد این پایه‌های سنگی را با استناد به بستر باستان‌شناختی مشخص برخی از آنها ارزیابی کند. درنهایت نگارندگان تلاش می‌کنند به این پرسش پاسخ دهد که آیا همه پایه‌های سنگی به‌دست آمده از منطقه کرمانشاه پایه‌های ستون مربوط به بناهای ستوندار بوده‌اند یا به‌احتمال کارکرد دیگری داشته‌اند؟

روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد مقایسه‌ای به مواد فرهنگی در تلاش است که یافته‌های جدید را در بستر منطقه‌ای خود مورد بررسی و مطالعه قرار دهد و با نگاهی به بستر باستان‌شناختی کشف آنها تلاش کند که تاریخ‌های نسبی برای آنها پیشنهاد کند. با این حال نگارندگان آگاه‌اند که یافته‌های این تحقیق برای نتیجه‌گیری در خصوص بحث درباره پیشنهاد الگویی برای پایه‌ستون‌های سنگی در منطقه همچنان اندک است و باید منتظر کشفیات بیشتر در این منطقه ماند.

پیشینه پژوهش

حداقل از دو سده پیش بقایای ستون‌ها و پایه‌ستون‌های نمایان در جانب غربی ویرانه‌های



- تصویر ۱. نقشه موقعیت محوطه‌های مورد بحث در مقاله (با سیاس از دکتر حمزه قبادی زاده)
۱. شترمل قریبلاغ، ۲. بالول (بهلول)، ۳. شیرخان، ۴. کوجه شاهدا، ۵. سید درویش، ۶. کانی خان، ۷. روانسر، ۸. بن دار سنجایی، ۹. قواخ تپه (قیاق تپه)، ۱۰. وندرنی، ۱۱. سورنی علیا، ۱۲. خیابان گمرک، ۱۳. دوچیا الهیارخانی، ۱۴. سرخک سنجایی، ۱۵. سیمانی، ۱۶. چنکاوازه، ۱۷. مدرسه شهید آوینی، ۱۸. محوطه پست فرمانداری اسلام آباد غرب، ۱۹. چشمه غلامی، ۲۰. مومهای، ۲۱. قلای (تپه قلعه) ضیان، ۲۲. حسن و حسین، ۲۳. شوهان سفلی، ۲۴. پلنگ کرده، ۲۵. مومای، ۲۶. شماره قدیمه، ۲۷. شاهبداغ، ۲۸. باغ آلوسان، ۲۹. جوب خاتون
 - I. عمارت عمادالدوله حاکم کرمانشاه در تاق بسنان، II. قلای عسگرخان سنجایی در کورزان، III. عمارت محمدولی خان گوران (باسمی) در گهواره، IV. عمارت امین الله خان ناصری در داریبد منصور، V. عمارت عبدالحسین خان پورابوقداره در هلیلان.



تصویر ۲. بقایای ستون‌ها و پایه‌ستون‌های بنای کنگاور در طرح اوژن فلاندن (Flandin and Cost, 185۱: Pl. LXXII)

یاد کرده است (دمورگان، ۱۳۳۹: ۱۱۷، ۱۱۹ و ۱۲۱). درواقع به نظر می‌رسد که این سرستون‌ها همان‌هایی است که پس از اشاره فلاندن از بیستون به تاق‌بستان منتقل شده‌اند. اما نکته مهم این است که دمورگان روایت می‌کند: «سابقاً چشمه تاق‌بستان در دره جاری می‌بوده است، لیکن از چند سال پیش به این طرف مالک جدید وکیل‌الدوله بمنظور آبیاری زراعت خود در تمام فصل آبگیرهایی ساخته است. بر اثر این کار دو سه سرستون کشف گردید که به عقیده من از نقطه نظر معماری ساسانی فائده بزرگی در بر دارند» (دمورگان، ۱۳۳۹: ۱۰۶). با تطبیق طرح‌های ترسیم شده از سرستون‌ها و به‌ویژه بخش‌های شکسته آنها مشخص است که فلاندن و دمورگان هر دو به سرستون‌هایی اشاره دارند که حداقل تا ۱۸۵۱ میلادی در شرق سراب بیستون قرار داشته و به احتمال پس از بازدید فلاندن و پیش از بازدید دمورگان از تاق‌بستان در سال ۱۸۹۱، این سرستون‌ها به کرمانشاه منتقل شده‌اند. هرتسفلد نیز در سال ۱۹۲۰ در کتاب خود با عنوان دروازه آسیا از این سرستون‌های به‌عنوان سرستون‌های

تاق‌بستان یاد کرده است (Herzfeld, 1920). هرتسفلد اشاره می‌کند که در مقابل تاق‌های تاق‌بستان دو سرستون مکعب شکل وجود دارد که دارای تصویر شاه و آناهیتاست. دو سرستون مشابه دیگر در پای صحرة بیستون برافراشته بوده‌اند و دو سرستون دیگر با نقش همین شاه در اصفهان بود (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۳۴).

همچنین ا. مان از سرستون‌های دیگری در بیستون و علاوه بر آن هرتسفلد از سرستون مکشوفه از قلعه کهنه و پایه‌ستون‌هایی در روستای حاجی‌آباد بیستون یاد کرده‌اند (Mann, 1903: ۱۱5 Herzfeld, 1920); اما دقیقاً نمی‌دانیم سرستونی که مان و هرتسفلد از آنها یاد کرده‌اند، کدام‌ها هستند و سرنوشت آنها چه شده است. لوشای نوشته است که یکی از سرستون‌ها در شرق سراب، سرستون دوم در شرق روستا و سومی در خود روستای بیستون به‌دست آمده است (لوشای، ۱۳۴۴: ۴۸).

هیئت آلمانی تحت سرپرستی هاینس لوشای به شماری پایه‌ستون در پیرامون فرهاد تراش (کلیس، ۱۳۸۵: ۳۸۵، ۳۸۶: ۵، د، ۳۸۷، شکل



تصویر ۳. ساقه ستون‌های ساسانی در صحن امیری مسجد جامع کرمانشاه (گلزاری و جلیلی، بی تا، ۶۴)

لوشای می نویسد: «ما در کرمانشاه سرستون‌های ساسانی را در نظمی یافتیم که با کاخی ساسانی تناسب داشتند. سرانجام توانستیم در مسجد جامع کرمانشاه شش سرستون و تعداد زیادی شال‌ستون بیایم. شش ستون محفوظ مانده همراه با سرستون‌ها، شبستان طویل سه بخشی طویل مسجد جامع را شکل داده‌اند. این مسجد به نحوی عجیب، شبیه تالار یک کاخ ساسانی است و با تالار اصلی تخت سلیمان و تپه میل قابل تطبیق است» (لوشای، ۱۳۸۵: ۴۰۷).

لوشای همچنین به دو پایه ستون و چهار سرستون بدون تزیین و تعدادی بلوک سنگی اشاره کرده که در ساخت پل صفوی موسوم به پل کهنه استفاده شده است (لوشای، ۱۳۸۵: ۴۰۶). هوف نیز به شماری پایه ستون از غرب ایران اشاره کرده که نمونه‌های ده‌بزان اسدآباد (همدان)، تاق‌بستان و روانسر کرمانشاه از آن جمله‌اند (Huff, 1989; Mousavi, 1989; 1990). هوف و کالمایر پایه ستون‌های روانسر را به دوره هخامنشی منتسب کرده‌اند (Calmayer, 1978; Huff, 1989). در بررسی‌های مسعود گلزاری نیز در محلی به نام باغ آلوسان و همچنین در اراضی جنوب صحنه دو شالی ستون مدور به دست آمد که به دوره هخامنشی منتسب شده‌اند (گلزاری، ۱۳۵۷: ۱۵۸ و ۱۶۰).

کلایس در کتاب اخیر خود به وجود چهار پایه ستون متفاوت مربوط به دوره‌های هخامنشی تا پسا هخامنشی که طی کاوش در اسلام‌آباد غرب^۱ کشف شده و در موزه تاق‌بستان نگهداری می‌شود اشاره کرده است (کلایس، ۱۳۹۷: ۷۹). کلایس همچنین به پایه ستونی که در سال ۱۹۷۰ در تاق‌بستان مشاهده کرده و به احتمال از اسلام‌آباد غرب (کلایس، ۱۳۵۴: ۲۷۳، طرح ۷۳، سمت

۸)، به پایه ستونی در گورستان قدیمی روستای بیستون (لوشای، ۱۳۸۵ الف: ۸۱) و همچنین سرستون‌هایی ناتمام در روستای رحیم‌آباد (آلبوم عکس ۷: ۲) اشاره نموده‌اند که پیشتر از بیستون گزارش نشده بودند. برخی از اینها چون سرستون ملک قاضی زاده بعدها در سال ۱۳۴۵ به کمک ارتش به مجموعه تاق‌بستان منتقل شد و در کنار سرستون‌های قدیمی‌تر مجموعه بیستون قرار گرفت که در اواخر قرن ۱۹ به تاق‌بستان منتقل شده بودند (لوشای، ۱۳۸۵ ب: ۱۳۰؛ Lushey, 1968).

در صحن امیری مسجد جامع کرمانشاه شماری ساقه ستون و همچنین شش سرستون ساسانی قرار داشت که ظاهراً در دوره اسلامی نقوش سطح سرستون‌ها پاک شده بود، اما هنوز هم می‌شد برخی از نقوش را در سطح آنها ملاحظه کرد (گلزاری و جلیلی، بی تا: ۶۳). مشخص نیست که محل اصلی این سرستون‌ها و به ویژه پایه ستون‌ها کجا بوده، اما با توجه به وزن بسیار سنگین این‌ها بعید است از فاصله دوری به مسجد آورده شده باشد و منطقی است بپذیریم این بقایای معماری به بنایی در همین حوالی تعلق داشته است (تصویر ۳). به ویژه اینکه

۱ تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند، تنها محوطه کاوش شده در اسلام‌آباد غرب در پیش از انقلاب چغاگاوانه بوده است. نیز گمانه‌هایی در برخی از محوطه‌ها چون چغاچنگه نیز حفر شده که در گزارش‌های در دسترس، چنین یافته‌هایی به دست نیامده است (سرفراز و دیگران، ۱۳۴۷). متأسفانه نمی‌دانیم این یافته‌ها دقیقاً از کاوش کدام محوطه به دست آمده‌اند.

کارکرد آن به دست بیاورند، اما کشف دو پایه ستون و حداقل سه بلوک سنگ آهکی تراش خورده در محدوده کاوش شده که به استناد قطعات سفال مربوط به دوره اشکانی است، نشان می‌دهد که در اینجا بنایی با ایوان یا تالار ستوندار برپا بوده است.

محوطه‌های مورد مطالعه

از حدود یک سده پیش تاکنون سرستون‌های سنگی نگاره‌دار با اهمیتی از بیستون، قلعه کهنه، مسجد جامع و سطح شهر کرمانشاه به دست آمده که نشان می‌داد با بناهای فاخر و به احتمال حکومتی از دوره ساسانی در استان کرمانشاه روبه‌رو هستیم. با این وصف چون اغلب این یافته‌ها خارج از بافت اصلی خود یا به صورت تک افتاده کشف شده‌اند، چیزی از ماهیت بناهایی که این سرستون‌های سنگی منقوش بدان‌ها تعلق داشته، نمی‌دانیم. در دو دهه اخیر گاه‌وبیگاه بقایای معماری سنگی چون پایه‌ستون‌ها و ساقه‌ستون‌ها از گوشه و کنار استان کرمانشاه به دست آمده که خبر از وجود ساخت و سازهای مهم دیگری در این منطقه می‌دهد. اکنون و با بررسی‌های بیشتر و همچنین با کشفیات اتفاقی، شمار بیشتری پایه سنگی کشف شده که ردپایی جدید از معماری ستوندار دوره تاریخی و همچنین شواهدی تازه از بناهایی چون خانه‌های اربابی یا بناهای مقدس را در این منطقه به عنوان قلب منطقه زاگرس مرکزی در اختیار قرار می‌دهند.

با توجه به اینکه پایه ستون‌ها اطلاعات مهمی از وجود برخی ساختارهای معماری در محوطه‌ها در اختیار قرا می‌دهند و ممکن است با تحلیل آنها به الگوهایی در مکان‌گزینی برخی از محوطه‌ها و کارکرد آنها نزدیک شد، در ادامه به محوطه‌هایی که چنین یافته‌هایی از آنها به دست آمده اشاره خواهیم کرد و سپس تلاش خواهیم کرد با نیم نگاهی به بستر جغرافیایی و بستر باستان‌شناختی

راست) به دست آمده و همچنین پایه ستونی که از تپه غلامان در غرب ایران به دست آمده، اشاره کرده است (کلایس، ۱۳۹۷: ۷۹ و شکل ۲۱۲ پایین چپ).

در سال ۱۳۷۲ به طور اتفاقی سرستون نگاره‌دار بسیار مهمی با تصویر خسرو دوم و ایزد بهرام از درون رودخانه آبشوران پیدا شد (مرادی، ۱۳۸۲: ۲۳). در پاییز ۱۳۷۸ هنگام تخریب یکی از خانه‌های قدیمی در زیر پاسگاه انتظامی خیابان مدرس کرمانشاه سرستون سنگی نگاره‌داری با تصویر خسرو پرویز و ایزد آناهیتا به دست آمد (مرادی، ۱۳۸۲: ۲۳). به‌طورکلی در مجموعه تاق بستان ۱۲ سرستون ساسانی نگهداری می‌شود که از بیستون، مسجد جامع، قلعه کهنه و روستای وندرنی سفلی پیدا شده است (لطفی‌زاده، ۱۳۷۹؛ مرادی، ۱۳۸۲: ۲۳؛ ۱۳۸۳؛ کرماجانی، ۱۳۸۳؛ Kleiss, 1983). در سال ۱۳۸۸ و در زمان کاوش‌های بنای ساسانی- ایلخانی بیستون مهدی رهبر و سجاد علی بیگی سرستون ناتمامی را در حدود ۷۰ متری غرب این بنا یافتند (رهبر و علی بیگی، ۱۳۸۸).

به‌جزء معبد آناهیتا محوطه‌هایی که باستان‌شناسان توانسته‌اند پایه‌ستون‌های سنگی را در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناختی بیابند، محوطه جوب‌خاتون سنقر کلیایی و آتشکده پلنگ‌گرد بوده است. محوطه جوب‌خاتون با ابعاد ۲۵۰×۳۲۰ متر بزرگ‌ترین محوطه دوره تاریخی محدوده سد جامیشان بوده است (خانمرادی، ۱۳۹۷: ۱۵۵) و در مجموع در ۱۸۵ متر مربع کاوش شده است. این محوطه در محل تلاقی رودخانه‌های جامیشان و در نزدیکی چشمه پر آبی واقع شده و موقعیت آن بیشتر یادآور یک خانه اشرافی یا اربابی است. هر چند به دلیل به هم ریختگی بخش‌های کاوش شده، کاوشگران نتوانسته‌اند اطلاعات کاملی از این محوطه و

در چهار کیلومتری غرب سرپل زهاب محوطه باستانی بزرگ و مهمی از دوره تاریخی قرار دارد که به مجموعه قه بلاغ مشهور است. این مجموعه شامل چندین برجستگی بزرگ و کوچک، یک بنا و بقایای حصار است که به احتمال در دوره ساسانی در کنار سراب پر آب قه بلاغ توسعه یافته است (تصویر ۴). در حد فاصل جریان جوی سراب قه بلاغ و محوطه که اکنون استخر پرورش ماهی در شرق آن قرار گرفته، قطعه زمین همواری قرار دارد که طی شخم‌های اخیر دو پایه‌ستون آهنی از آن کشف شده و در بررسی ما در سال ۱۳۹۴ مستندنگاری شد. آقای بهرامی مالک زمین و از اهالی روستا، این دو یافته را به جلوی منزل مسکونی‌اش در بخش جنوبی روستا منتقل نموده و از آن به عنوان نشیمن استفاده می‌کند (تصویر ۵ و ۶). ایشان اظهار کرد که شمار این پایه‌ها که طی شخم زدن‌ها به دست آمده، حدود ۸-۷ عدد است. علاوه بر اینها ایشان دو شی سنگی دیگر را که چندی پیش یافته بود و شامل یک پایه‌سنگی کوچک و یک ظرف سنگی استوانه‌ای بود به هیئت بررسی نشان داد (علی بیگی، ۱۳۹۴). در سطح بخش‌های جنوبی محوطه رد بسیار کم

آنها، این یافته‌ها را تحلیل کنیم. این یافته‌ها در بخش‌های مختلف استان کرمانشاه از سنقر در شمال شرق تا سرپل زهاب در غرب به دست آمده است (تصویر ۱). برای جلوگیری از طولانی شدن متن، اطلاعات میدانی، مشخصات یافته‌ها و محوطه‌ها در جدول ۱ خلاصه شده است اما به طور کلی می‌توان این یافته‌ها را در سه گروه جای داد:

گروه نخست: پایه ستون‌های نچندان بزرگ با ابعاد کمتر از 70×70 و بلندای حدود ۵۰ سانتی‌متر (۱۹ محوطه)

گروه دوم: پایه‌ستون و ساقه ستون بسیار بزرگ به ابعاد 1×1 متر و ساقه ستون به طول بیش از ۴ متر (۲ محوطه)

گروه سوم: پایه‌های سنگی با بدنه استوانه‌ای قرقره مانند (۸ محوطه) (ن.ک: جدول ۱)

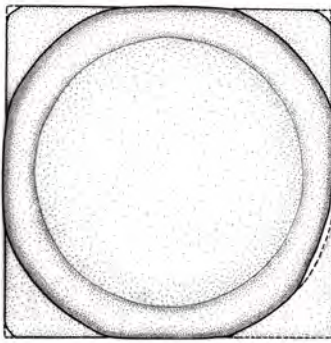
محوطه‌های مورد مطالعه الف. سرپل زهاب تپه شترمل قه بلاغ



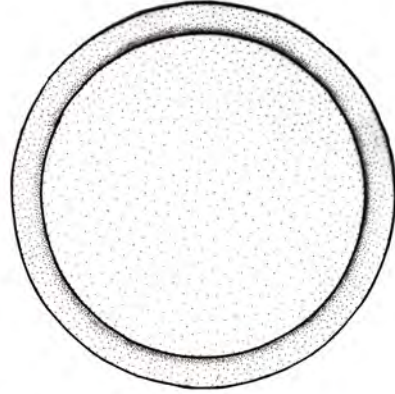
تصویر ۴. دورنمایی از مجموعه قه بلاغ سرپل زهاب، تپه شترمل و قلعه مریم / منیزه (دید از غرب، عکس از رضا عزیزی)



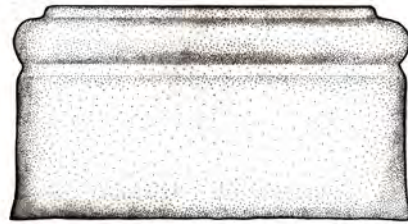
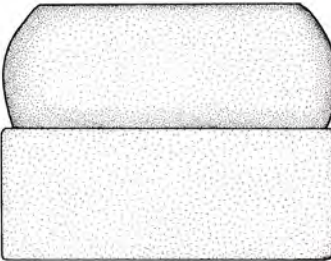
تصویر ۵. پایه ستون‌های محوطه شترمل



5 Cm



5 Cm



تصویر ۶. طرح پایه ستون‌های محوطه شترمل

ایران کشف شده، می‌توان انتظار داشت که در این محل با بقایای معماری مذهبی چون یک آتشکده یا مهرکده روبه‌رو باشیم (ن.ک: علی بیگی و خسروی، ۱۳۹۸). پایه ستون نخست محوطه متشکل از یک بخش مکعبی به ابعاد ۳۴×۳۴ و ارتفاع ۱۳ سانتی‌متر است که بر آن شالی مدور

رنگی از بقایای معماری لاشه‌سنگی با ملات گچ مشخص است که بی‌تردید حاکی از وجود بقایای معماری مهمی در این بخش است. با توجه به قدمت محوطه و به‌ویژه وجود یافته‌های سنگی چون پایه ستون مینیاتوری که تاکنون تنها در بقایای معماری مذهبی دوره اشکانی و ساسانی

جدول ۱. مشخصات پایه ستون‌ها، سرستون‌ها و پایه‌های سنگی به دست آمده از استان کرمانشاه*

شماره	محل کشف	ابعاد محوطه	شکل نمونه	گونه	ابعاد/ قطر	ارتفاع	جنس	دوره
۱	تپه شترمل سرپل زهاب	۲۰۰×۱۵۰	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۳۴×۳۴	۳۰	آهک سفید شیری	ساسانی
۲	تپه شترمل سرپل زهاب	۲۰۰×۱۵۰	مدور	گونه ۱	۳۸	۲۲	آهک سفید	ساسانی
۳	تپه شیرخان سرپل زهاب	۶۷×۴۵ متر	چهارگوش	گونه ۱	۸۰×۹۰	۳۰	آهک سفید متماثل به کرم	اشکانی
۴	تپه بالول (بهلول)	۱۰۰×۲۸۰	مدور	-	۴۵-۵۰	۶۰	آهک سفید متماثل به طوسی	ساسانی
۵	کوچه شاهد سرپل زهاب	؟	مدور	-	۵۰	۱۸۰	آهک طوسی بسیار روشن	ساسانی
۶	کانی خَنان، دالاهو	۱۰۰×۵۰	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۶۷/۵×۶۷/۵	۳۳	آهک سفید	سلوکی/ اشکانی
۷	کانی خَنان، دالاهو	۱۰۰×۵۰	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۴۱×۴۱	۲۰	آهک سفید متماثل به زرد	سلوکی/ اشکانی
۸	کانی خَنان، دالاهو	۱۰۰×۵۰	چهارگوش	گونه ۱	۵۹×۵۶	۳۱/۵	آهک سفید متماثل به صورتی	سلوکی/ اشکانی
۹	زیارتگاه سید درویش	-	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۴۴×۴۴	۲۷	آهک سفید	اشکانی
۱۰	قواخ تپه کوزران	۵۰۰×۵۰۰	مدور	گونه ۱	۳۰	۲۰	آهک سفید	اشکانی
۱۱	دوچیا الهیار خانی،	۱۰۰×۱۰۰	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۴۲×۴۲×۵	۲۹	آهک کرم متماثل به سفید	اشکانی
۱۲	پن دار سنجابی	؟	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۴۱×۴۲	۲۹	آهک کرم متماثل به سفید	اشکانی/ ساسانی
۱۳	خیابان گمرک	؟	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۲	۱۰۰×۱۰۰	۹۲/۵	آهک سفید متماثل به صورتی	ساسانی
۱۴	خیابان گمرک	؟	ساقه مدور	-	۳۸۵	۷۰	آهک سفید متماثل به صورتی	ساسانی
۱۵	روستای سورنی علیا	؟	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۳۳×۳۳	۲۹	آهک کرم متماثل به سفید	اشکانی/ ساسانی
۱۶	شهرداری روانسر	؟	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۴۶×۴۲	۲۵	آهک سفید متماثل به کرم	اشکانی/ ساسانی؟
۱۷	شهرداری روانسر	؟	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۵۲×۵۲	۳۱	آهک سفید متماثل به کرم	اشکانی/ ساسانی؟
۱۸	تپه حسن و حسین شیان	۶۰۰×۲۵۰	سرستون ایونیک	-	۶۲×۴۶	۵۴	آهک سفید متماثل به کرم	سلوکی/ اشکانی
۱۹	روستای سیمانی	۷۰×۵۰	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۵۰×۵۰	۳۰	آهک سفید متماثل به کرم	اشکانی/ ساسانی

* باید اشاره کنیم که در انبار اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه چند پایه ستون و شالی ستون دیگر نیز وجود دارد که به دو دلیل در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته اند: نخست اینکه برخی از نمونه ها فاقد هر گونه نشانی از محل کشف هستند و دوم دو سه نمونه از اینها در مخزن اشیاء قرار دارند که دسترسی به آنها برای نگارندگان میسر نشد.

۲۰	محوطه قلعه کیقباد	۵۰×۵۰	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۷۰×۷۰	۵۳/۵	آهک سفید	ساسانی
۲۱	محوطه قلعه کیقباد	۵۰×۵۰	مدور	-	۴۸	۳۶	آهک سفید	ساسانی
۲۲	چغاگاوانه	؟	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۳۲×۳۲	۲۴	آهک سفید	تاریخی
۲۳	چغاگاوانه	-	شالی مدور	-	۳۲	۱۱	مرمر، کرم متمایل به صورتی	تاریخی
۲۴	اراضی پشت فرمانداری اسلام آباد غرب	-	مدور ناقوس شکل	گونه ۲۲	۵۵/۵	۶۳/۵	آهک طوسی روشن	تاریخی
۲۵	شاره قدیمه	۵۰۰×۲۰۰	مربع پله پله	گونه ۲	۱۲۰×۱۲۰	۵۰	آهک سفید	ساسانی
۲۶	شاره قدیمه	۵۰۰×۲۰۰	مربع پله پله	گونه ۲	۱۲۰×۱۲۰	۵۰	آهک سفید	ساسانی
۲۷	شاره قدیمه	۵۰۰×۲۰۰	سرسون شیار دار	گونه ۲	۷۵	۸۰	آهک سفید	ساسانی
۲۸	شاه‌بداغ	؟	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۳۶×۳۶	۴۰	آهک سفید متمایل به کرم	؟
۲۹	شاه‌بداغ	؟	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۴۸×۴۸	۴۲	آهک سفید متمایل به کرم	؟
۳۰	روستای مومه‌ای	؟	ساقه ستون مدور	-	۴۰	۱۱۵	آهک سفید متمایل به کرم	ساسانی؟
۳۱	آتشکده شیان	؟	پایه سنگی	گونه ۳	؟	۴۷	آهک سفید	ساسانی
۳۲	آتشکده میل میله‌گه	؟	پایه سنگی	گونه ۳	۵۲×۵۲	۶۸/۵	آهک سفید	ساسانی
۳۳	آتشکده پلنگ‌گرد	؟	پایه سنگی	گونه ۳	۳۸×۳۸	۴۰	آهک سفید متمایل به طوسی	ساسانی
۳۴	پلنگ‌گرد	؟	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۴۷×۴۷	۴۰	آهک سفید	ساسانی
۳۵	مومنای حمیل	؟	پایه سنگی	گونه ۳	۴۲×۴۲	۴۳/۵	آهک کرم متمایل به نخودی	ساسانی
۳۶	مومنای حمیل	؟	پایه سنگی	گونه ۳	۴۱/۵×۴۰	۴۶	آهک کرم متمایل به نخودی	ساسانی
۳۷	شوهان سفلی	۱۵۰×۱۵۰	پایه سنگی	گونه ۳	۴۳×۴۳	۴۴	آهک سفید متمایل به کرم	ساسانی
۳۸	شوهان سفلی	۱۵۰×۱۵۰	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۴۱×۴۱	۲۷	آهک سفید متمایل به کرم	اشکانی/ ساسانی
۳۹	شوهان سفلی	۱۵۰×۱۵۰	چهارگوش با شالی مدور	گونه ۱	۴۰×۴۰	۳۳	آهک سفید متمایل به کرم	اشکانی/ ساسانی
۴۰	توقیفی حمیل	؟	پایه سنگی	گونه ۳	۵۲×۵۲	۶۸	آهک سفید متمایل به کرم	ساسانی
۴۱	دبیرستان شهید آوینی	؟	پایه سنگی	گونه ۳	۵۳×۵۳	۶۲	آهک سفید متمایل به کرم	ساسانی
۴۲	دبیرستان شهید آوینی	؟	پایه سنگی	گونه ۳	۵۳×۵۳	۶۳	آهک سفید متمایل به کرم	ساسانی
۴۳	چشمه غلامی	۵۰×۵۰	پایه سنگی	گونه ۳	۵۲×۵۲	۶۸	آهک سفید متمایل به کرم	ساسانی

یافته‌های سطحی نمونه‌هایی از سفال لعابدار دوره اسلامی نیز به چشم می‌خورد که حاکی از استقرار مجدد در این محوطه طی دوره اسلامی است. بر سطح محوطه یک پایه‌ستون تراش خورده راست گوشه به ارتفاع ۳۰ سانتی‌متر است که از سنگ آهک سفید متمایل به کرم مرغوب به صورت دو طبقه تراشیده شده است. طبقه زیرین ۸۰×۹۰ و طبقه بالایی ۶۰×۷۰ سانتی‌متر ابعاد دارد. این پایه‌ستون اخیراً شکسته شده است (تصویر ۷).



تصویر ۷. پایه‌ستون محوطه شیرخان سرپل‌زهاب

تپه بالول (بهلول)

در حوزه زهاب جنوبی در شمال غرب شهر امروزی سرپل‌زهاب برجستگی طبیعی وجود دارد که بر سطح آن بقایای محوطه‌ای شکل گرفته که تپه بالول (بهلول) خوانده می‌شود. این تپه طبیعی ۲۸۰×۱۰۰ متر ابعاد و ۵-۴ متر ارتفاع دارد و بر سطح آن سفال‌های دوره ساسانی پراکنده است. در بررسی سال ۱۳۹۴ علی‌بیگی، علاوه بر قطعات سفال قطعه‌ای از یک ساقه‌ستون نیز مشاهده شد. این ساقه‌ستون ۶۰ سانتی‌متر طول و ۵۰-۴۵ سانتی‌متر قطر دارد و از سنگ آهک سفید متمایل به طوسی تراشیده شده است (تصویر ۸). هیئت در بررسی محوطه پایه‌ستون یا سرستون‌هایی بیشتری را نیافت و به دلیل عدم انجام کاوش باستان‌شناختی نمی‌دانیم که این ساقه‌ستون روزی سقف یک ایوان ستوندار را نگه می‌داشته یا سقف یک تالار ستوندار را. به استناد سفالینه‌های سطحی این ساقه‌ستون به احتمال مربوط به دوره ساسانی است.

کوچه شاهد ۲

در خاکبرداری‌هایی که در کوچه شاهد در غرب شهر سرپل‌زهاب برای نوسازی بناهای تخریب شده بر اثر زلزله صورت گرفت، بیل مکانیکی به ساقه‌ستون نچندان بلندی برخورد که از سنگ آهک طوسی بسیار روشن تراشیده شده بود. این

یکپارچه‌ای به قطر ۳۸ و ارتفاع ۱۷ قرار دارد. این پایه‌ستون از سنگ آهک سفید شیری تراشیده شده و کیفیت به نسبت مرغوبی دارد. پایه‌ستون دوم از گونه پایه‌ستون‌های مدور تقریباً زنگی شکل است که قطر آن در بخش تحتانی ۳۸ و ارتفاع کلی آن ۲۲ سانتی‌متر است. روی بخش تحتانی شالی مدوری به قطر ۳۸ سانتی‌متر و سپس یک صفحه کوچک‌تر و کم ارتفاع قرار گرفته است که قطر آن ۳۲ سانتی‌متر است. این پایه‌ستون نیز از سنگ آهک سفید به نسبت مرغوبی تراشیده شده و با توجه به ابعاد به نسبت کوچک آنها به احتمال پایه‌ستون‌های محوطه شترمل مربوط به بنایی کوچک یا یک ایوان با ساقه‌ستون‌های چوبی بوده است.

تپه شیرخان

در بررسی سال ۱۳۹۴ و در اراضی هموار حاشیه شمالی دشت بشیوه در شرق منطقه سرپل‌زهاب، برجستگی کم ارتفاعی (حدود نیم متر) به ابعاد ۴۵×۶۷ شناسایی شد که تپه شیرخان خوانده می‌شود. هرچند پراکندگی قطعات سفال سطح تپه بسیار اندک بود، وجود قطعات گچ، آجر و انبوه لاشه‌سنگ و قطعات سنگی تراشیده حاکی از وجود آثار معماری در این محوطه بود. اغلب قطعات سفال به دست آمده از این محوطه قابل انتساب به دوره اشکانی است، اما در میان

قطعه بزرگ‌تر پایه‌ستونی متشکل از بخش مکعبی به احتمال به طول هر ضلع $۶۶/۵$ تا $۶۷/۵$ سانتی‌متر و ارتفاع $۱۶/۵$ سانتی‌متر است. بر روی این قطعه شالی ستون مدوری به قطر ۶۴ و ارتفاع ۱۵ سانتی‌متر قرار گرفته است. بر شالی بخش مدوری به قطر $۵۲/۵-۵۴$ و ارتفاع $۱/۵$ سانتی‌متر حجاری شده است. هر سه بخش به شکل یک پارچه تراشیده شده و در مجموع پایه‌ستونی به ابعاد $۶۷/۵ \times ۶۷/۵$ و ارتفاع ۳۳ را تشکیل می‌دهد. بر اساس بخش‌های شکسته شده پیداست که این پایه‌ستون از سنگ آهک سفید به نسبت مرغوب تراشیده شده است (تصویر ۱۰).

دومین یافته پایه‌ستون کوچک سه طبقه‌ای است که در حدود ۳۰ متری غرب پایه نخست به دست آمد. این پایه به صورت یکپارچه از سنگ آهک سفید متمایل به زرد تراشیده شده است و از نظر شکل و اندازه با سایر نمونه‌ها متفاوت است. در مجموع این پایه ستون ۴۱×۴۱ سانتی‌متر ابعاد و ۲۰ سانتی‌متر بلند دارد، اما به دلیل برخورد دیسک تراکتور آسیب دیده و شکسته است. پله پایین‌تر و بزرگ‌تر ۴۱×۴۱ سانتی‌متر ابعاد و ۹ سانتی‌متر بلند دارد، روی این بخش پله کوچک‌تری به ابعاد ۳۸×۳۸ سانتی‌متر و ارتفاع ۵ سانتی‌متر قرار دارد. شیب حد فاصل این دو پله عمودی نیست و حدود ۸۰ درجه است. بر روی این پله، شالی مدوری به قطر ۳۶ و ارتفاع $۴/۵$ سانتی‌متر وجود دارد. بر سطح شالی صفحه نازک مدوری به قطر $۳۰/۵$ سانتی‌متر و ارتفاع ۱ سانتی‌متر حجاری شده است (تصویر ۱۱).

در فاصله ۲۵ متری جنوب پایه دوم، سومین پایه‌ستون قرار داشت. این پایه به شکل مکعب ساده و به شکل دو طبقه از سنگ آهک سفید متمایل به صورتی تراشیده شده است. بخش تحتانی پایه ۵۹×۵۶ سانتی‌متر ابعاد و $۱۸/۵$ سانتی‌متر ارتفاع دارد و بخش بالایی آن مکعب کوچک‌تری به

ساقه‌ستون ۱۸۰ سانتی‌متر طول و ۵۰ سانتی‌متر قطر دارد و سطح آن به خوبی صیقل شده است (تصویر ۹). با اینکه اداره میراث فرهنگی از این کشف مطلع شد، اما محل کشف بدون گمانه‌زنی و کاوش رها شد و ساخت‌وسازها توسط اهالی در آن مکان ادامه یافت. هرچند همراه با این یافته، پایه یا سرستونی به دست نیامد اما این ساقه‌ستون با توجه به ابعاد و اندازه‌اش قطعاً بر پایه‌ستونی سنگی استوار بوده که اکنون از داشتن اطلاعات بیشتری در خصوص آن و همچنین بستر باستان‌شناختی این کشف محروم هستیم.

ب. شهرستان دالاهو

محوطه کینی (کانی) خنان گهواره

در ۱۷ شهریور ۱۳۹۴ بیل مکانیکی اداره جهاد کشاورزی استان کرمانشاه باعث آشکار شدن یک یا دو پایه ستون در اراضی کشاورزی اهالی منطقه گهواره در شمال شهرستان دالاهو شد. این محوطه در نزدیکی گورستان امامزاده بابا اسکندر در یک کیلومتری غرب شهر امروزی گهواره، قرار دارد و ظاهراً چند سال بعد در آذرماه ۱۳۹۹ کشاورزان محلی یک پایه‌ستون سنگی دیگر را یافتند که تاکنون برای ما ناشناخته بود. کانی خنان بقایای استقرار از دوره سلوکی (۲) - اوایل دوره اشکانی است که بر روی یک برجستگی طبیعی قرار گرفته و حدود یک هکتار وسعت دارد. بر محوطه شمار فراوانی سفال دوره سلوکی / اوایل اشکانی پراکنده است و بر اساس تنوع یافته‌های سفالی و همچنین پایه‌ستون‌ها به نظر می‌رسد با بقایای محوطه مهمی روبه‌رو هستیم. این پایه‌ستون‌ها شکل و ابعاد متفاوتی دارند و به نظر می‌رسد که از نظر جنس تفاوت‌های اندکی با هم دارند و به احتمال از منابع مختلفی تهیه شده باشند. در زمان بازدید ما این پایه‌ها به فاصله حدود ۲۵ تا ۳۰ متر از یکدیگر قرار داشتند (تصویر ۱۳-۱۰).



تصویر ۸. نمایی از محوطه بالول و ساقه‌ستون سنگی آن



تصویر ۹. ساقه‌ستون کوچک شاهد ۲ در حیاط فرمانداری سرپل‌زهاب

یا ستون‌های چوبی را. اما ابعاد و اندازه مختلف پایه‌های سنگی و همچنین شکل گوناگون آنها نشان می‌دهد که به احتمال مربوط به بیش از یک بنای ستوندار یا متعلق به ایوان و تالار ستوندار یک بنا هستند که در این صورت پایه‌ستون‌های ایوان و تالار با هم متفاوت بوده‌اند. باید امیدوار بود در آینده و با انجام مطالعات آرکئولوژیک و کاوش میدانی باستان‌شناختی، اطلاعات بیشتری در این زمینه به دست آورد.

ابعاد 52×53 و ارتفاع $12/5 - 13$ سانتی‌متر است. در مجموع این پایه 56×59 سانتی‌متر ابعاد و حداکثر $31/5$ سانتی‌متر ارتفاع دارد (تصویر ۱۲ و ۱۳).

ما چیزی از ماهیت و کارکرد بنایی که این پایه‌ستون‌ها به آنها تعلق داشته، نمی‌دانیم و سرنخی از ساقه‌ستون‌هایی که بر این پایه‌ها استوار می‌شده به دست نیاورده‌ایم. در واقع نمی‌دانیم این پایه‌های ستون‌های سنگی را نگه می‌داشته



تصویر ۱۰. پایه ستون سنگی محوطه کانی خان گهواره



تصویر ۱۱. پایه ستون سنگی محوطه کانی خان گهواره

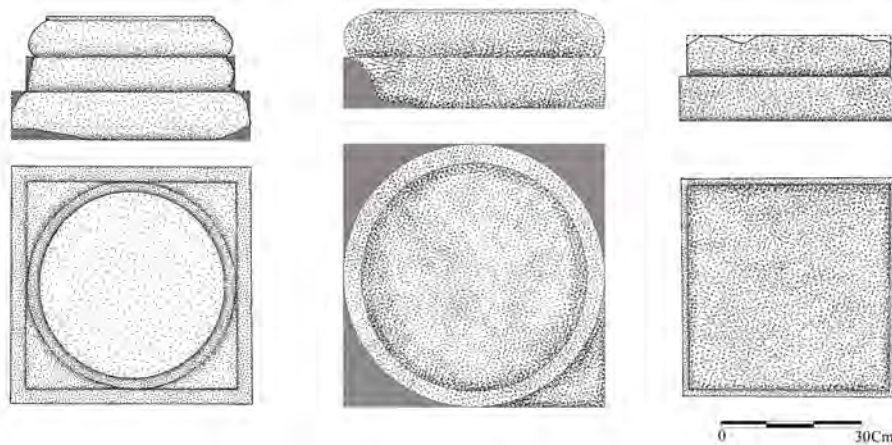
این مکان محل اسکان و زندگی یکی از بزرگان این آیین به نام سید درویش بوده است. در این مکان که در حال حاضر به عنوان گورستان روستا مورد استفاده اهالی است، شواهدی از استقرار دوره اسلامی متأخر از جمله بقایای ویرانه‌های

زیارتگاه سید درویش کنه‌هر

در ۹۰۰ متری شمال شرقی روستای کنه‌هر از توابع دهستان بیونج در بخش مرکزی شهرستان دالاهو مکانی به نام سید درویش وجود دارد که بنا بر عقاید مردم این منطقه که پیرو آیین یارسان هستند،



تصویر ۱۲. پایه ستون سنگی محوطه کانی خان گهواره



تصویر ۱۳. طرح پایه ستون های سنگی محوطه کانی خان گهواره (طرح مقدماتی از میلاد شاهمرادی)

سنگ آهک سفید و به صورت یکپارچه تراشیده شده و متشکل از دو بخش مکعبی روی هم و یک شالی مدور در بالاست. مکعب زیرین 44×44 سانتی متر ابعاد و ۱۲ سانتی متر ارتفاع دارد. بر روی این بخش، مکعب دیگری به ابعاد 43×43 و ارتفاع ۶ سانتی متر و در بالاترین بخش شالی مدوری به قطر $42-43$ سانتی متر و به ارتفاع ۹ سانتی متر تراشیده شده است. با توجه به بقایای

معماری ساخته شده از لاشه سنگ و سفال های ساده و لعابدار وجود دارد. در این مکان فضای سکو ماندی پیرامون یک درخت تنومند بلوط کهنسال ایجاد گردیده است که اهالی محل از آنجا به عنوان جمخانه (تکیه) استفاده می کنند. در کنار این درخت پایه ستونی به ابعاد 44×44 و ارتفاع ۲۷ سانتی متر وجود دارد که مورد احترام اهالی منطقه است (تصویر ۱۴ و ۱۵). این پایه سنگی از

معماری محقر به جا مانده در محل ممکن است این پایه‌ستون متعلق به این مکان نبوده باشد و ممکن است از مکان دیگری به این محل منتقل شده باشد. با توجه به اینکه در محدوده روستای امروزی کنه‌هر شواهدی از یک استقرار چند هکتاری دوره اشکانی وجود دارد، بعید نیست پایه‌ستون زیارتگاه سید درویش از آنجا به دست آمده و به این مکان منتقل شده باشد. متأسفانه این پایه‌ستون در چند سال اخیر توسط جویندگان اشیاء عتیقه شکسته شده است.

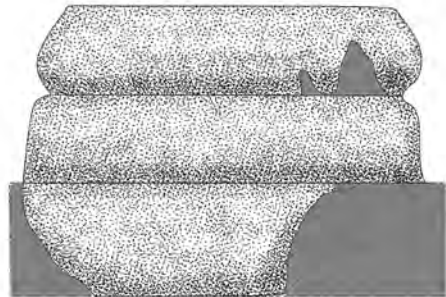
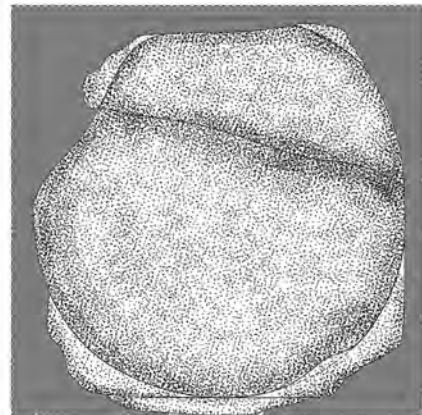
ج. کرمانشاه

قواخ تپه (قباق تپه) کوزران

محوطه باستانی قواخ تپه (قباق تپه) محوطه به نسبت بزرگی است که در ۴۳ کیلومتری غرب شهر کرمانشاه، ۴۳۳۰ متری جنوب شرق شهر کوچک کوزران و ۲۷ کیلومتری شمال غرب ماهیدشت واقع گردیده است. محوطه شامل یک برجستگی بزرگ به طول ۳۳۰ و عرض ۲۲۰ است که راس آن ۱۵ متر از سطح زمین‌های اطراف بلندتر است. در اطراف تپه مرکزی و به ویژه بخش‌های جنوبی و شرقی آن برجستگی‌های کوچک و بزرگ متعددی پیوسته و یا با فاصله از آن وجود دارد و نشان می‌دهد که با محوطه باستانی بزرگی به وسعت ۵۰۰×۵۰۰ متر روبه‌رو هستیم که مساحت کنونی آن تقریباً ۲۵ هکتار است. با اینکه بر سطح محوطه حداقل از هزاره سوم پم تا دوره ساسانی سفال پراکنده است، اما به نظر می‌رسد اوج گسترش محوطه در دوره اشکانی بوده است. در ۱۰۰ متری جنوب برجستگی مرکزی محوطه و در خانه یکی از اهالی پایه ستون کوچکی وجود دارد که در فصل نخست کاوش محوطه به اداره میراث فرهنگی استان منتقل گردید. این پایه ستون کوچک مدور از سنگ آهک سفید تراشیده شده و در بخش پایه ۳۰ سانتی متر



تصویر ۱۴. پایه ستون سنگی محوطه سید درویش کنه‌هر، شهرستان دالاهو



5 Cm

تصویر ۱۵. پایه ستون سنگی محوطه سید درویش کنه‌هر، شهرستان دالاهو

۲۸-۲۹ سانتی متر ارتفاع دارد. این پایه ستون متشکل از بخش مکعبی به ارتفاع ۱۵/۵ سانتی متر در پایین است که بر روی آن شالی به قطر ۴۲ و ارتفاع ۱۲ سانتی متر تراشیده شده که در بالاترین سطح به صفحه مدوری به قطر ۳۲ و ارتفاع ۱/۵ سانتی متر منتهی می‌گردد (تصویر ۱۹). قدمت این یافته شاید به کمک سفال‌های دوره اشکانی محوطه قابل بررسی باشد. با توجه به وجود سفال‌های دوره اشکانی در محوطه، به احتمال این پایه ستون نیز متعلق به دوره اشکانی است.

خیابان تختی (گمرک) کرمانشاه

در سال ۱۳۹۷ طی خاکبرداری که به منظور نوسازی یک باب منزل مسکونی در کوچه چهارباغ خیابان تختی (گمرک سابق) در بافت قدیمی شهر کرمانشاه صورت گرفت، کارگران ساختمان به پایه ستون درجا و ساقه ستون بزرگ فرو افتاده‌ای در مجاورت یکدیگر برخوردند (تصویر ۲۰). خبر این کشف به اداره میراث فرهنگی کرمانشاه رسید، اما بدون اینکه در محل این کشف گمانه‌زنی یا کاوشی صورت پذیرد، یافته‌ها از بافت خود خارج و به حیاط اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه منتقل شد. این پایه ستون و ساقه ستون از سنگ آهک سیلیس دار سفید متمایل به صورتی بسیار روشن تراشیده شده و سطح آن‌ها به خوبی صیقل شده است. با این حال سنگ دارای گره‌ها و رگه‌های بسیاری است و کیفیت بسیار مرغوبی ندارد. پایه ستون مورد بحث ۱۰۰×۱۰۰ ابعاد و ۹۲/۵ سانتی متر ارتفاع دارد و متشکل از چند بخش است. بخش مکعبی شکلی به ابعاد ۱۰۰×۱۰۰ سانتی متر که ۴۰ سانتی متر نیز ارتفاع دارد. بر این بخش یک بخش مدوری به قطر ۱۰۰ و ارتفاع ۲۲ سانتی متر و بر روی آن بخش مکعبی باریکی به ابعاد ۷۰ و ارتفاع ۶ سانتی متر قرار دارد. همه این اجزا به صورت

قطر و ۲۰ سانتی متر ارتفاع دارد (تصویر ۱۶ و ۱۷). بر سطح این پایه ستون شیارهای عمیق عمودی ایجاد شده که بخش پایینی آنها اندکی یادآور تزئینات پایه ستون‌های دوره هخامنشی در آپادانای تخت جمشید است. با توجه به فقدان آثار دوره هخامنشی در محوطه و وسعت و رونق محوطه در دوره اشکانی به نظر می‌رسد که این پایه ستون مربوط به دوره اشکانی است.

روستای بن دار سنجابی (کوزران)

در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۱۸ پایه ستون نچندان بزرگی توسط نیروهای یگان حفاظت از روستای بن دار سنجابی به اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه منتقل گردیده که سپس با شماره ۸۵۷۶ به ثبت رسیده است. این پایه ستون ۴۱×۴۲ سانتی متر ابعاد و ۲۸-۲۹ سانتی متر بلندا دارد و از سنگ آهک کرم تراشیده شده است. این پایه متشکل از بخش مکعبی به ارتفاع ۱۶ سانتی متر در پایین، شالی مدوری به قطر حدود ۴۱ و ارتفاع ۱۲ سانتی متر در بخش میانی و صفحه باریک و نازکی به ارتفاع ۱ سانتی متر در بالاست (تصویر ۱۸). محوطه‌ای که این یافته از آن به دست آمده متعلق به دوره تاریخی است و با توجه به شکل و فرم پایه ستون، منطقی است آن را به دوره اشکانی و یا ساسانی منتسب کنیم.

روستای دو چیا الهیارخانی

در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۱۵ یکی از اهالی روستای دوچیا الهیارخانی پایه ستونی را به اعضای یگان حفاظت میراث فرهنگی استان کرمانشاه تحویل داد که از بافت روستا به دست آمده و به گفته اهالی گویا پیشتر از تپه موسوم به دو چیا که دارای بقایای استقرار از دوره اشکانی است، به دست آمده است. این پایه ستون از سنگ آهک کرم متمایل به سفید تراشیده شده و ۴۲/۵ سانتی متر ابعاد و



تصویر ۱۶. نمایی از قواخ تپه کوزران و پایه ستون سنگی آن (عکس از رضا عزیز)

از دوره ساسانی وجود داشته که حتی اگر در ارتباط با یافته‌های پیشین این محدوده نباشد، سر نخ از یک بنای تازه دوره ساسانی در این حوالی است. متأسفانه به دلیل عدم انجام هرگونه مطالعه‌ای در خصوص بستر باستان‌شناختی این یافته‌ها، نمی‌دانیم که این یافته‌ها مربوط به چه بنایی بوده و آن بنا چه کارکردی داشته است. با این حال با توجه ابعاد بسیار بزرگ آنها و همچنین کیفیت این آثار بعید نیست متعلق به بنایی حکومتی بوده باشد. به‌ویژه اینکه سرستون‌های نگاره‌دار خیابان مدرس نیز در فاصله حدود ۲۸۰ متری جنوب این پایه و ساقه ستون درجا کشف شده است.

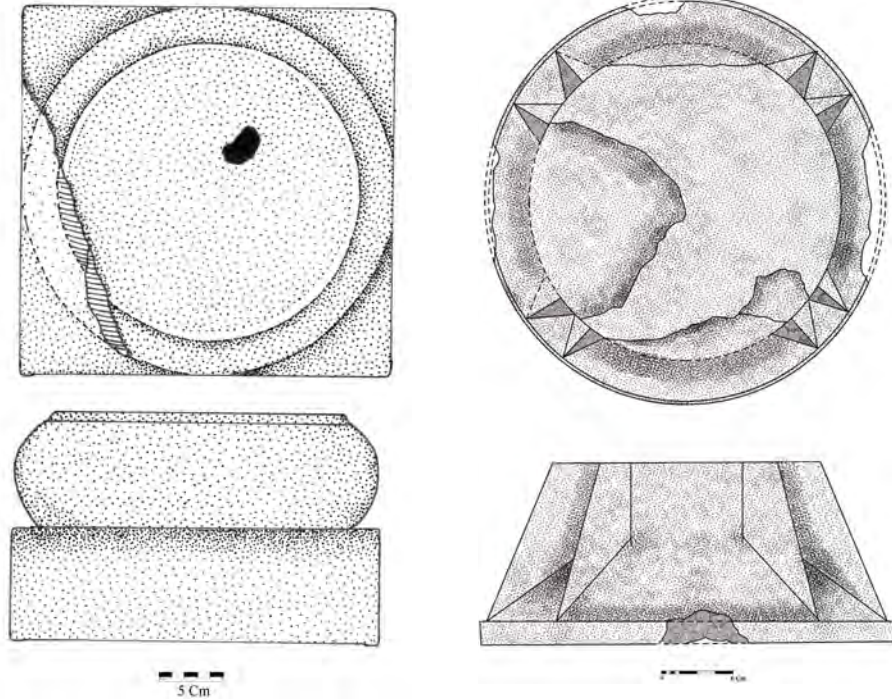
د. شهرداری روانسر

در حیات شهرداری روانسر پایه ستون کوچکی نگهداری می‌شد که ظاهراً از بافت مسکونی درون شهر به دست آمده بود و در سال ۱۳۹۴ به کرمانشاه منتقل شده است. این پایه ستون از سنگ آهک سفید متمایل به کرم به شکل یک پارچه تراشیده شده و متشکل از یک بخش مکعبی در پایین و

یکپارچه تراشیده شده‌اند (تصویر ۲۱). این پایه تقریباً مشابه پایه ستون روستای رحیم‌آباد بیستون است (گلزاری و جلیلی، بی تا: ۶۷).

ساقه ستون کشف شده ۳۸۵ سانتی متر طول و ۷۰ سانتی متر قطر دارد و در محل قرارگیری روی پایه ستون قسمت برجسته‌تری مشابه یک شالی ستون دارد که قطر آن حداکثر ۷۸ و ارتفاع آن ۱۹ سانتی متر است.

این محدوده نزدیک به مسجد جامع کرمانشاه است که سال‌ها پیش در صحن امیری آن شماری ساقه ستون و سرستون ساسانی گزارش شده بود (گلزاری و جلیلی، بی تا: ۶۴). لویشای اشاره می‌کند که پلان مسجد جامع کرمانشاه به طرز شگفت‌آوری شبیه پلان یک کاخ ساسانی است (لویشای، ۱۳۸۵: ۴۰۷). هر چند بیشتر تصور می‌شد که سرستون‌های مسجد جامع کرمانشاه از دیگر نقاط منطقه گردآوری و به مسجد جامع منتقل شده، اما کشف این پایه ستون و ساقه ستون بسیار بزرگ و سنگین به صورت درجا نشان می‌دهد که در این محدوده بقایای بنایی ستوندار



تصویر ۱۷. طرح پایه ستون سنگی قواخ تپه کوزران (راست)
تصویر ۱۸. طرح پایه ستون سنگی روستای بن دار سنجایی (کوزران) (چپ)

اساس نیز می شود تشخیص داد که این پایه از سنگ آهک سفید متمایل به کرم تراشیده شده است (تصویر ۲۲، راست).

با توجه به اینکه این نمونه فاقد هرگونه نشانه خاص برای تاریخ گذاری است و از بافت باستان شناسی دقیق آن بی اطلاع هستیم نمی توان درباره قدمت دقیق آن و همچنین ماهیت بنایی که به آن تعلق داشته بحث کرد. با این حال این یافته ها نمونه هایی در محوطه های دوره تاریخی کرمانشاه دارند و از این رو می توان با احتیاط آنها را اثری از دوره تاریخی نامید.

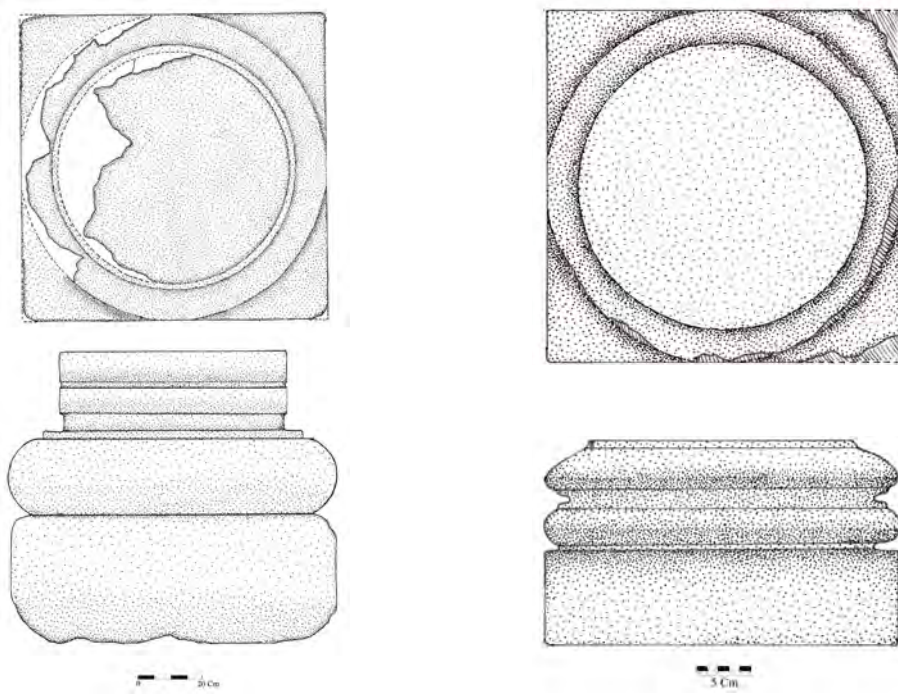
ذ. اسلام آباد غرب

تپه حسن و حسین شیان

در بهمن ماه سال ۱۳۹۵ یکی از نویسندگان (شهرام علی یاری) اطلاع یافت که سرستون

بخش مدوری بر آن است. اضلاع این پایه ۴۶ و ۴۲ سانتی متر ابعاد و ۲۵ سانتی متر ارتفاع دارد و بر آن شالی ستون مدور یک پارچه ای به ارتفاع ۷ و قطر ۴۲ سانتی متر قرار دارد، سپس بر این قطعه بخشی تراش خورده دیگری به قطر ۳۵ و ارتفاع ۲ سانتی متر وجود دارد (تصویر ۲۲، چپ).

در همان سال ظاهراً پایه ستون دیگری توسط شهرداری روانسر کشف شد که اکنون در مجموعه سنگ میراث استان کرمانشاه نگهداری می شود، اما باز هم مشخص نیست که این پایه دقیقاً از کجا به دست آمده است. این پایه ستون ۵۲×۵۲ ابعاد و ۳۱ سانتی متر دارد و متشکل از پایه مکعبی به ارتفاع ۲۰ سانتی متر در پایین است که شالی مدوری به ارتفاع ۱۰ و قطر ۵۲ به صورت یکپارچه بر آن قرار گرفته است. در زمان کشف بخش هایی از شالی ستون شکسته بود و بر این



تصویر ۱۹. طرح پایه ستون سنگی دو چیا الهیار خانی (راست)
تصویر ۲۱. طرح پایه ستون خیابان گمرک کرمانشاه (چپ)



تصویر ۲۰. پایه ستون های خیابان گمرک کرمانشاه در زمان کشف (عکس از حسین علی بیگی) و پس از انتقال به حیاط اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه

سنگی نه چندان بزرگی به طور اتفاقی از اراضی جنوب روستای شیان^۱ در حدود ۱۶ کیلومتری

۱ در اوایل دهه ۱۳۸۰ سه پایه ستون سنگی از تپه قلعه شیان به دست آمد که به دفتر میراث فرهنگی شهرستان اسلام آباد و سپس اداره میراث فرهنگی استان کرمانشاه منتقل شده اند. یوسف مرادی در پانویس متن گزارشی که در رابطه با بنای میل میله که اسلام آباد غرب منتشر کرده چنین آورده است: «سه نمونه پایه سنگی از قلعه شیان به دست آمده که در اداره میراث فرهنگی اسلام آباد غرب نگهداری

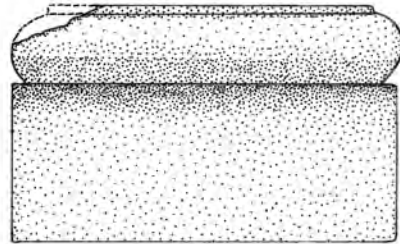
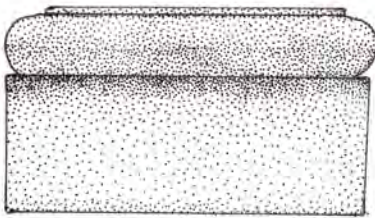
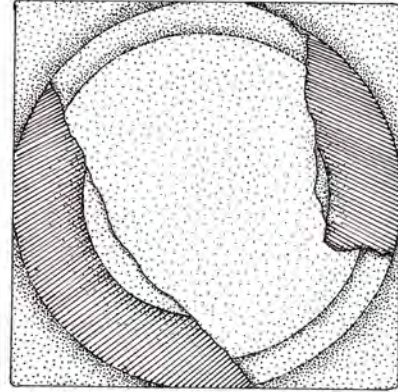
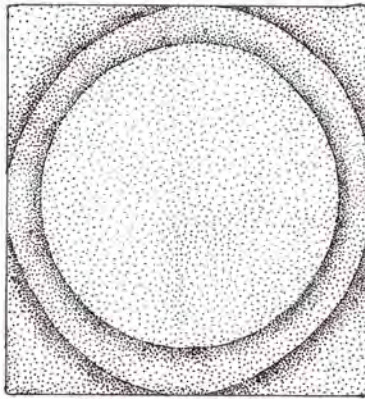
روستای سیمانی

در اوایل زمستان ۱۳۹۹ پایه ستون شکسته‌ای از بافت قدیمی روستای سیمانی در امتداد مسیر اسلام‌آباد غرب به گهواره کشف شد (تصویر ۲۵). این پایه ستون از سنگ آهک سفید متمایل به کرم تراشیده شده و ۵۰×۵۰ ابعاد و ۳۰ بلندی داشته که ظاهراً در گذشته‌های دور شکسته شده است. این پایه دارای دو بخش مکعبی است که بر روی هم قرار گرفته است. مکعب پایینی ۵۰×۵۰ سانتی متر ابعاد و ۱۰ سانتی متر ارتفاع دارد و بر روی آن مکعب دیگری به ابعاد ۴۴×۴۴ سانتی متر و ارتفاع ۶ سانتی متر قرار گرفته است. بر این مکعب شالی به قطر ۳۴ و ارتفاع ۱۴ سانتی متر قرار گرفته است (تصویر ۲۶). با توجه به اینکه روستا بر روی دامنه جنوبی تپه‌ای با بقایای دوره پیش از تاریخ و تاریخی شکل گرفته، منطقی است تصور کنیم به بنایی تعلق دارد که در دل این تپه مدفون است. با این حال از ماهیت بنایی که این پایه ستون به آن تعلق داشته اطلاعی نداریم.

قلعه کیقباد (تپه سربان) سرخک سنجابی

در حیاط یکی از خانه‌های روستای سرخک سنجابی در شمال شهرستان اسلام‌آباد غرب، پایه ستون به نسبت بزرگی به ابعاد ۷۰×۷۰ و ارتفاع $۵۳/۵$ سانتی متر وجود دارد، که از گونه‌ای سنگ آهک به نسبت نرم سفید رنگ تراشیده شده است (تصویر ۲۷ و ۲۸). این پایه ستون متشکل از یک بخش مکعب مستطیل در پایین است که بخش مکعبی کوچک تری بر آن قرار گرفته است. بر روی این مکعب کوچک تر شالی ستون مدوری به قطر ۶۴ و ارتفاع ۸ سانتی متر قرار گرفته که بخش میانی مقطع آن فرو رفته و بخش‌های بالایی و پایینی آن بیرون زده است. در کنار این پایه ستون پایه سنگی ساده دیگری

غرب شهر اسلام‌آباد غرب به دست آمده است. این سرستون از سنگ آهک مرغوب سفید متمایل به کرم رنگی تراشیده شده که ۶۲ سانتی متر عرض، ۴۶ سانتی متر ضخامت و ۵۴ سانتی متر بلندا دارد (تصویر ۲۴ و ۲۳). سرستون به شکل دو طومار جمع شده تراش داده شده که در بخش میانی با استفاده از طنابی جمع شده است. در نمای دو سوی سرستون شکل یک برگ کنگر با ۱۱ پره نشان داده شده است (Alibaigi et al., 2020). انتهای این برگ به بخش میانی طنابی که دور تا دور سرستون کشیده شده، محدود می‌گردد. سرستون برخلاف نمونه مکشوفه از نهند و مشابه برخی نمونه‌های خورده دارای بخشی به مانند ساقه ستون به قطر ۳۶ سانتی متر است. گرداگرد این ساقه ستون ردیفی از مهره ماسوره‌ها به شکلی منظم حجاری شده و این بخش از سرستون را از سادگی خارج کرده است. سطح بالای سرستون به شکل صفحه مسطح چهارگوشی به ابعاد ۴۲×۴۲ سانتی متر تراش داده شده که گوشه‌های چهارگانه آن اندکی متمایل به بیرون هستند. در مرکز این صفحه چهارگوش حفره مربع شکلی به ابعاد ۵×۵ و عمق ۴ سانتی متر ایجاد گردیده است که می‌توانسته به قطعات دیگری چفت و بست شود. این سرستون شباهت نزدیکی با نمونه خورده (Herzfeld, 1941: Fig. 384; Hakemi 1990: Fig. 17؛ رهبر ۱۳۸۲: ۶۸، شکل ۱۶)، نهند (Rahbar and Alibaigi 2006; Rahbar 2006; Rahbar et al. 2014). و تا حدودی نمونه مکشوفه از معبد اوکسس (جیحون) در تخت سنگین تاجیکستان (Litvinsky and Pichikian 1998: Fig. 4,5,6؛ به غیر از بناها، شباهت نزدیکی میان سرستون مکشوفه با نمونه حجاری شده در آرامگاه صخره‌ای قیزقاپان نیز دیده می‌شود (von Gall, 1988, 564: Fig. 4).



5 Cm

5 Cm

تصویر ۲۲. طرح پایه ستون‌های سنگی به دست آمده از روانسر

و حدود یک دهه پیش توسط مالک زمین به منزل شخصی منتقل شده است. محوطه مذکور بر بلندای یک برجستگی طبیعی در منطقه ناهموار و کوهستانی قرار گرفته است. محوطه ۵۰×۵۰ متر ابعاد دارد و ظاهراً به کلی تسطیح شده و چیزی از ارتفاع آن باقی نمانده است. بر سطح محوطه قطعات گوناگونی از سفال دوره اشکانی و ساسانی پراکنده است. در میانه محوطه بخشی از یک ساقه ستون کوتاه ناتمام به طول ۵۴ و حداکثر قطر ۴۶ سانتی متر وجود دارد (تصویر ۳۰). این یافته مدرکی برای این موضوع است که قطعات مربوط به ستون‌ها نیز به احتمال در همین مکان تراشیده شده‌اند. محوطه پیشتر در بررسی‌های عباس رزمپوش به عنوان محوطه سربان شناسایی و به دوره ساسانی منتسب شده است (رزمپوش،

وجود دارد که شاید بتوان شکل آن را نیمه پائینی یک مخروط به حساب آورد. این قطعه نیز از سنگ آهک سفید به نسبت نرم تراشیده شده و بلندای آن ۳۶ سانتی متر و سطح افقی آن مدور است. در بخش پائین این قطعه ۳۶ و در بخش بالا ۴۸ سانتی متر قطر دارد. بر سطح این قطعه رد ابزاری دندان‌دار که برای تراش دادن و هموار نمودن این قطعه استفاده شده، مشاهده می‌گردد. مشخص نیست که این قطعه به عنوان پایه ستون کاربرد داشته یا سرستون. اما با توجه به شکل ساده آن بعید است به عنوان سرستون کاربرد داشته است (تصویر ۲۹).

این دو پایه ستون در حوالی سال ۱۳۶۵ در زمان تسطیح محوطه‌ای موسوم به قلعه کیقباد در ۵۰۰ متری جنوب روستای سرخک به دست آمده

فرهنگی اسلام‌آباد منتقل شده است. این پایه ستون که ۵۵/۵ سانتی متر ارتفاع و در بیشترین حد ۶۳/۵ سانتی متر قطر دارد از سنگ آهک طوسی روشن تراشیده شده است (تصویر ۳۵ و ۳۶). متأسفانه از بستر باستان‌شناختی کشف این یافته و سایر مواد فرهنگی احتمالی مرتبط با این یافته بی‌اطلاع هستیم. ظاهراً تا دو دهه پیش محوطه‌ای در این نقطه وجود داشته که به کلی تسطیح شده و به مکانی برای ریختن نخاله تبدیل شده است. از این رو نه درباره‌ی کاربری بنایی که این پایه ستون به آن تعلق داشته، اطلاعی داریم و نه از قدمت دقیق آن. این پایه ستون نمونه‌ی مشابهی در میان پایه ستون‌های کرمانشاه ندارد، اما بر اساس فرم و ریختش به احتمال مربوط به دوره‌ی هخامنشی یا ساسانی است. کلایس در کتاب تاریخ معماری ایران خود به پایه ستونی اشاره کرده که از کاوش‌های اسلام‌آباد به دست آمده است (کلایس، ۱۳۹۷: ۸۸). نمی‌دانیم منظور از کاوش‌های اسلام‌آباد غرب، کاوش‌های کدام محوطه است. با این حال تنها محوطه‌ی کاوش شده در اسلام‌آباد چغاگاوانه است که کاوشگر آن محمود کردوانی، در مقاله‌ی منتشر شده از کاوش‌ها در مجله‌ی باستان‌شناسی و هنر ایران، به کشف پایه ستون‌هایی در آن اشاره نکرده است.

شاره قدیمه تنگ منصوری

راه طبیعی دسترسی نواحی شمالی استان ایلام به جنوب استان کرمانشاه و امتداد شاهراه خراسان بزرگ معبر طبیعی موسوم به تنگ قیل است که در نهایت در منطقه‌ی حسن‌آباد به امتداد راه خراسان بزرگ می‌پیوندد. در واقع تنگ منصوری معبری طبیعی و جز معدود مسیرهای ارتباطی کهن میان پشتکوه و کرمانشاه به شمار می‌رود و از گذشته‌های دور تا به امروز مورد استفاده بوده است. در پاییز سال ۱۳۹۱ و هنگام کاوش‌های اضطراری محوطه

۱۳۸۸). نمی‌دانیم که پایه ستون قلعه کیقباد مربوط به یک ایوان ستوندار است یا مربوط به بنای یک تالار ستوندار اشکانی- ساسانی، از این رو باید منتظر کشفیات آینده در این محوطه ماند.

تپه چغاگاوانه

طی دو سال اخیر و در دو بازدید جداگانه توسط کارکنان اداره میراث فرهنگی اسلام‌آباد غرب، سه پایه ستون کوچک از اطراف تپه چغاگاوانه شناسایی شد که اولی به اداره میراث فرهنگی اسلام‌آباد غرب و دیگری به احتمال به اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه منتقل شده است. زمان کشف این یافته‌ها مشخص نیست، اما اهالی طی یکی دو دهه اخیر آنها را از تپه چغاگاوانه یافته و برای استفاده از آنها به عنوان نشیمن، آنها را به کنار در منزل خود منتقل کرده بودند.

قطعه نخست از سنگ آهک کرم تراشیده شده و به شکل یک مکعب مستطیل به ابعاد ۳۲×۳۲ سانتی متر است که شالی مدور و به نسبت مرتفعی به ارتفاع ۱۲ و قطر ۳۲ سانتی متر بر روی آن قرار گرفته است (تصویر ۳۲-۳۱). قطعه دوم تنها شالی ستونی از جنس مرمر به رنگ کرم متمایل به صورتی به قطر ۳۲ و ارتفاع ۱۱ سانتی متر است (تصویر ۳۴-۳۳). هر دوی اینها ابعاد کوچکی دارند و پیداست که به احتمال به بناهای کوچکی تعلق داشته‌اند. با این حال با توجه به توالی طولانی مدت استقرار در چغاگاوانه و فقدان نشانه‌های بارز بر سطح این قطعات، تاریخ‌گذاری این یافته‌ها بسیار دشوار است. قطعه سوم برای مطالعه در دسترس نگارندگان نبود.

اراضی پشت فرمانداری اسلام‌آباد غرب

در اراضی پشت فرمانداری اسلام‌آباد غرب پایه ستون تقریباً زنگی شکلی وجود داشت که در سال ۱۳۸۵ توسط شهرام علیاری به اداره میراث



تصویر ۲۳. سرستون سنگی محوطه حسن و حسین شیان، شهرستان اسلام‌آباد غرب
(Alibaigi et al. 2020: 214, Fig. 6)

طی بررسی‌های سال ۱۳۸۹ شهرستان شیروان چرداول توسط طیبه حاتمی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. وی بر اساس بقایای معماری، تنگ قیر را محوطه‌ای تاریخی اسلامی دانسته است (حاتمی‌نصاری، ۱۳۹۰).

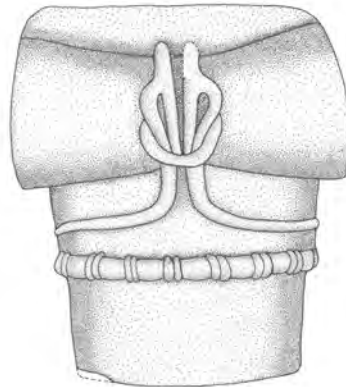
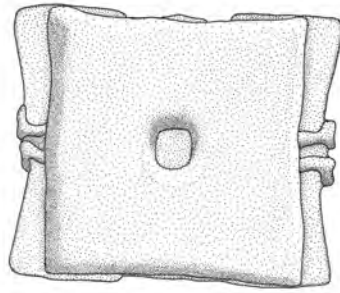
در نتیجه حفریات غیر مجاز آثار و بقایای زیادی از جمله پلان بناها آشکار شده است. بررسی مختصر ما در محوطه بزرگ شماره قدیمه نشان داد که عمده مصالح به کار رفته در محوطه لاشه‌سنگ‌های غوطه‌ور در ملات گچ است.

پلنگ‌گرد فرصتی دست داد تا از محوطه موسوم به شماره قدیمه دیدن کنیم. محوطه در امتداد رودخانه چناره و در موقعیتی راهبردی، در حد فاصل دامنه کوه قلاجه و کرانه غربی رودخانه شکل گرفته و «۳۰۰×۹۰۰ متر و نزدیک به ۲۷ هکتار وسعت دارد» (حاتمی‌نصاری، ۱۳۹۰). بر فراز و دامنه کوه بقایای استحکامات تدافعی و دیده‌بانی دیده می‌شود که محوطه را محافظت می‌کرده است. تمامی این ساخت و سازها با استفاده از لاشه‌سنگ و ملاط گچ ساخته شده است. محوطه

بناهای آشکار شده غالباً دارای پلان‌های مستطیل، دیوارهای مستحکم و فضاهای گچ اندود است. دیوارها حدود ۱۱۰ سانتی متر عرض دارند و در محلی که به واسطه حفریات غیرمجاز آشکار شده، دیوار نزدیک به دو متر ارتفاع دارد.

در بخش میانی و هموار محوطه به واسطه حفریات غیرمجاز شماری پایه ستون و ساقه ستون نیز آشکار شده که نشان می‌دهد در این محل بنایی ستون‌دار برپا بوده است (تصویر ۳۸-۳۷). پایه ستون‌ها مکعبی شکل و به صورت پله پله با ابعاد حدود ۱۲۰×۱۲۰ و ارتفاع ۶۰ سانتی متر هستند و از سنگ آهک سفید متمایل به کرم تراشیده شده‌اند. علاوه بر اینها بخشی از یک ساقه ستون وجود دارد که ۸۴ سانتی متر از ارتفاع آن باقی مانده و در بخش پایین این ساقه ستون، یعنی محل قرارگیری ساقه بر روی پایه ستون ۶۸ سانتی متر قطر دارد. «منبع استخراج سنگ‌های استفاده شده برای ستون‌سازی و سایر فضاهای معماری در داخل خود محوطه شاره قدیمه است. در این محوطه صخره‌های بزرگ سنگی وجود دارد که در گذشته با جدا کردن بلوک‌های سنگی آنها را به درون محوطه انتقال داده‌اند» (حاتمی نصاری، ۱۳۹۰). در بررسی سال ۱۳۹۰ محوطه بخشی از یک سرستون (?) به دست آمده که ۷۵ سانتی متر قطر دارد و سطح آن با شیارهای قاشقی عمودی و نوارهای باریک برجسته به شکل عمودی تزئین شده است (تصویر ۳۹). شکل بخش بالایی این قطعه به دلیل شکستگی آن، نامشخص است. از بلندای این قطعه ۸۵ سانتی متر باقی مانده است (شماره ثبت ۸۵۷۷).

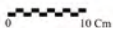
در حال حاضر مشخص نیست که قطعات متعلق به ستون‌ها مربوط به بنایی با چه کارکردی بوده است، اما هرچه هست نشان از وجود بنا یا بناهایی مهم در این بخش از محوطه دارند. با اینکه الگوی معماری محوطه شباهت‌های نزدیکی با معماری



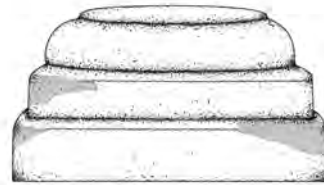
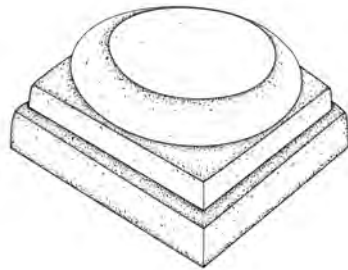
تصویر ۲۴. سر ستون سنگی محوطه حسن و حسین
شیان، شهرستان اسلام‌آباد غرب
(Alibaigi et al. 2020: 215, Fig. 7)



تصویر ۲۵. نمایی از محوطه روستای سیمانی شهرستان اسلام آباد غرب و پایه ستون سنگی آن
(عکس از رضا عزیزی و بهنام قنبری)



تصویر ۲۷. پایه ستون سنگی محوطه قلعه کیتباد روستای سرخک سنجایی شهرستان اسلام آباد غرب



تصویر ۲۶. طرح پایه ستون سنگی به دست آمده از محوطه روستای سیمانی شهرستان اسلام آباد غرب (طرح از بهنام قنبری)

روستای شاهداغ

در تاریخ‌های ۱۳۹۵/۳/۲۷ و ۱۳۹۵/۲/۲۳ در بافت روستای شاهداغ در جنوب غربی ترین نقطه استان کرمانشاه دو پایه ستون و یک ساقه ستون به دست آمده است که از سنگ آهک سفید متمایل به کرم رنگ تراشیده شده‌اند (تصویر ۴۰). یکی

دوره ساسانی را نشان می‌دهد، اما اغلب یافته‌های سطحی این محوطه مربوط به دوره سلجوقی است و یافته‌های دوره ساسانی محوطه انگشت شمارند. از این رو به نظر می‌رسد که به احتمال شاره قدیمه دارای بنیانی از دوره ساسانی است که در دوره اسلامی به حیات خود ادامه داده است.

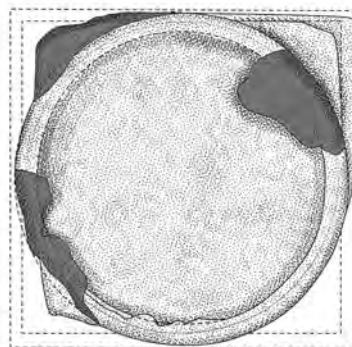
قطر آن به ۲۰ سانتی متر می‌رسد. بخش بالایی این پایه به نسبت تخت است. با توجه به ابعاد این ساقه ستون به نظر می‌رسد که این نمونه آخر برای نگهداری ساقه ستون چوبی تراشیده شده است. با اینکه امکان بررسی ساقه ستون‌های به دست آمده از این محوطه‌ها برای نگارندگان فراهم نبود، اما با توجه به ابعاد کوچک پایه ستون‌های توصیف شده در بالا، به احتمال فراوان ساقه ستون سنگی به دست آمده از این محوطه بر پایه‌های سنگی بزرگ‌تری استوار می‌شده است.

روستای مومه‌ای

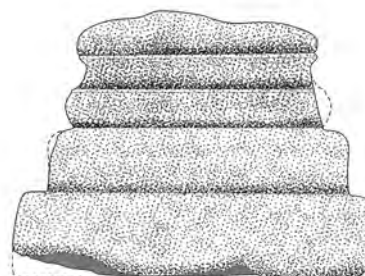
از بافت روستای مومه‌ای بخش حمیل شهرستان اسلام‌آباد بخشی از یک ساقه ستون سنگی به دست آمده که اکنون در اداره میراث فرهنگی اسلام‌آباد غرب نگهداری می‌شود. این ساقه ستون از سنگ آهک سفید متمایل به کرم ساخته شده و ۴۰ سانتی متر قطر و ۱۱۵ سانتی متر طول دارد. از سایر یافته‌های مرتبط با این یافته اطلاعی نداریم و به همین دلیل درباره مکان استفاده و همچنین قدمت این یافته نمی‌توان بحث کرد. با این حال طبیعی است تصور کنیم که این ساقه ستون بر پایه ستونی سنگی استوار می‌شده است.

آتشکده شیان

آتشکده شیان بقایای نیایشگاهی از دوره ساسانی در محدوده سد شیان شهرستان اسلام‌آباد غرب است که در سال ۱۳۸۴ با اهداف نجات بخشی کاوش شد (رضوانی، ۱۳۸۵). این آتشکده که به احتمال مربوط به میانه دوره ساسانی است با استفاده از قلوه سنگ‌های غوطه‌ور در ملاط گچ ساخته شده است. بنا دارای چهار جرز و راهرویی در اطراف است که روی آنها را گنبدی رفیع و به احتمال طاق آهنگ‌ها می‌پوشانده است.



0 30 Cm



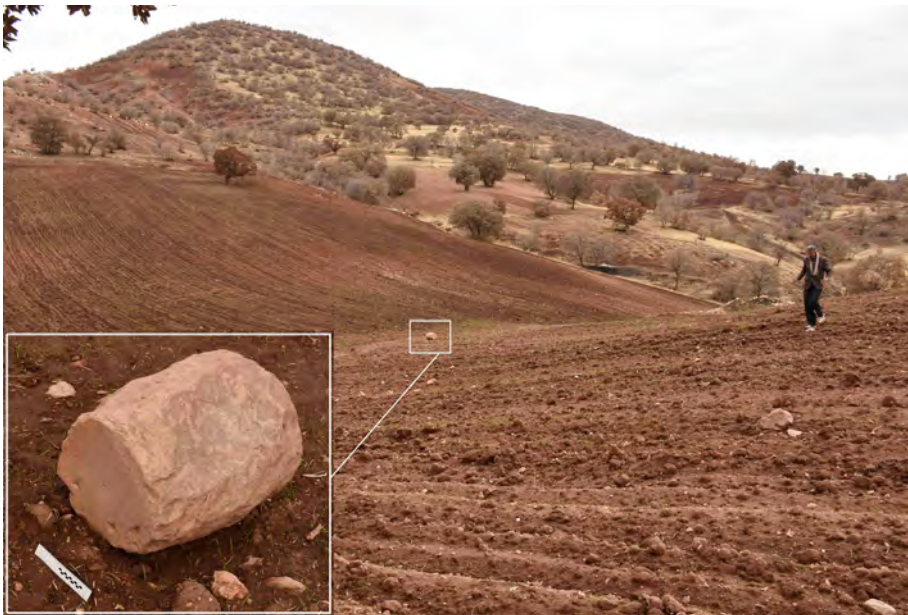
تصویر ۲۸. طرح پایه ستون سنگی محوطه قلعه کیتباد روستای سرخک سنجابی شهرستان اسلام‌آباد غرب

از این قطعات پایه ستونی دو قسمتی است که بخش تحتانی آن به شکل مکعبی به ابعاد ۳۶ و ارتفاع ۲۱ سانتی متر است و روی آن شالی ستونی به شکل یکپارچه قرار گرفته که قطر بخش بالایی آن در محل قرارگیری ساقه ستون ۳۰ سانتی متر اندازه‌گیری شده است.

دومین پایه ستون شامل سه بخش است. بخش مکعبی شکلی به ابعاد ۴۸×۴۸ سانتی متر و ارتفاع ۱۷ سانتی متر که بخش مکعبی کوچک‌تری به ابعاد ۴۳×۴۳ سانتی متر و ارتفاع ۱۱ سانتی متر بر آن قرار گرفته است. سپس روی این بخش، قسمت مدور نیمه گنبدی شکلی به ارتفاع ۱۴ و قطر پایه ۴۱ سانتی متر قرار گرفته که هرچه به سوی بالا می‌آید از قطر آن کاسته شده و در نهایت



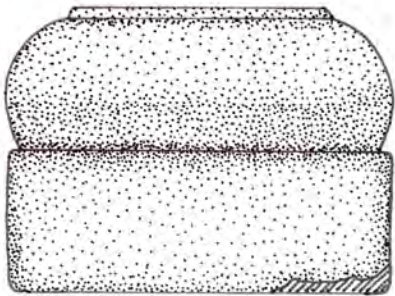
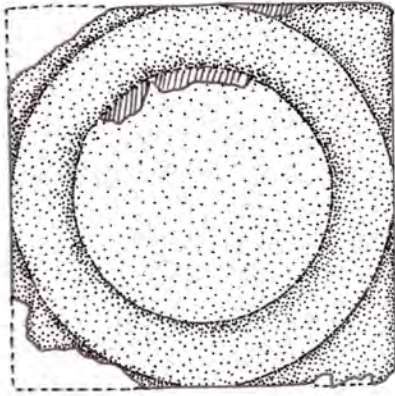
تصویر ۲۹. پایه ستون سنگی؟ محوطه قلعه کیقباد روستای سرخک سنجایی شهرستان اسلام آباد غرب



تصویر ۳۰. نمایی از محوطه قلعه کیقباد و بخشی از ساقه ستون پراکنده در سطح آن

مجاورت آتشکده شیان جدا شده بود. به دلیل شکستگی و آسیب دیدگی این پایه ابعاد و اندازه دقیق آن قابل اندازه گیری نیست (تصویر ۴۱). تنها می دانیم که این پایه سنگی ۴۷ سانتی متر ارتفاع

هیئت کاوش شیان یک پایه سنگی را در میان خاک های دپو شده حاصل از فعالیت های سد سازی کشف کرده اند (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۶۱) که پیش از رسیدن باستان شناسان از بستر خود در



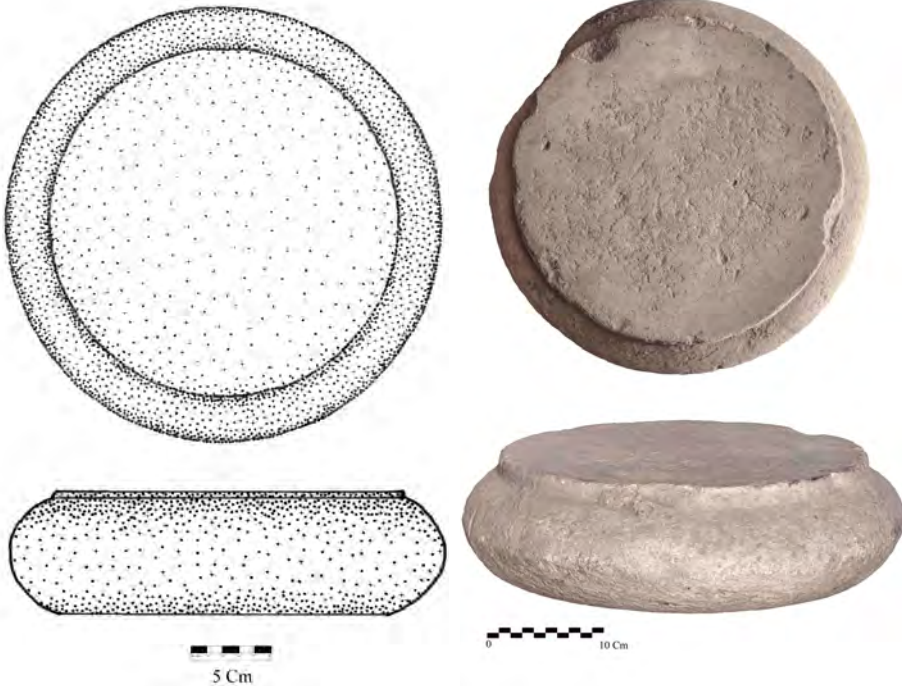
تصویر ۳۱. پایه ستون سنگی به دست آمده از چغاگاوانه
تصویر ۳۲. طرح پایه ستون سنگی به دست آمده از چغاگاوانه

که دو مورد آنها شکسته شده بود، اما بخش‌های باقی مانده آنها نشان می‌دهد از نظر شکل و ابعاد شبیه به هم بوده‌اند (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۶۱؛ Moradi 2016). براساس توصیف صورت گرفته این پایه در بخش تحتانی ۵۲×۵۲ سانتی متر ابعاد و ۶۸/۵ سانتی متر بلندای داشته است (تصویر ۴۳ و ۴۲). کشف این پایه‌های سنگی در یک بنای مذهبی چون میل‌میله‌گه برای کاوشگر آن نیز پرسش برانگیز بوده، به طوری که یوسف مرادی در خصوص علت وجود آنها گزینه‌های مختلفی چون پایه ستون مربوط به خود بنا، پایه آتشدان و پایه ستون منتقل شده به این بنا را مطرح کرده است (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

داشته و قطر شالی ستون آن ۲۷ سانتی متر بوده، و از سنگ تراورتن (آهک) تراشیده شده است (رضوانی، ۱۳۸۵).

چهارتاقی میل‌میله‌گه

در ارتفاعات جنوب شهرستان اسلام‌آباد غرب بقایای چهارتاقی کوچکی از دوره ساسانی کشف شده است که به آتشکده میل‌میله‌گه معروف شده است. ساختمان این چهارتاقی با قلوه‌سنگ‌های غوطه‌ور در ملات گچ ساخته شده و پیداست که پوشش آن به شکل گنبد بوده است. در زمان بررسی بخش داخلی آتشکده میل‌میله‌گه چهار پایه سنگی از جنس سنگ آهک کشف شده است



تصویر ۳۳. شالی ستون سنگی به دست آمده از چغاگاوانه
تصویر ۳۴. طرح شالی ستون سنگی به دست آمده از چغاگاوانه

است: مکعبی با ابعاد $۳۸ \times ۳۸ \times ۱۱/۵$ سانتی متر پایه و بخش تحتانی شی را تشکیل می دهد. روی این مکعب شالی مدوری با قطر ۳۷ سانتی متر و ضخامت ۳ سانتی متر قرار گرفته است. بر روی شالی، ساقه‌ای استوانه‌ای به ارتفاع ۱۳ سانتی متر و قطر ۲۸ سانتی متر قرار گرفته است. بر روی ساقه ۷ نوار تزئینی برجسته ظریف ایجاد شده است. بر سطح فوقانی این ساقه، شالی دیگری قرار دارد که دارای ۷ سانتی متر ضخامت است. این بخش از شی آسیب دیده و بیشتر بخش‌های شالی ستون شکسته شده و تنها بر اساس بخش اندکی که از آن سالم باقیمانده به احتمال این شالی ۳۷ سانتی متر (۴) قطر داشته است. از پایین به بالا از قطر این شالی کاسته شده و در قسمت راس قطر آن به ۲۸ سانتی متر کاهش می یابد. کاهش قطر شالی ستون به صورت تدریجی و بوسیله ایجاد سه

آتشکده پلنگ گرد

پلنگ گرد بقایای آتشکده‌ای از دوره ساسانی است که در سال ۱۳۹۱ کاوش شده است. بنا چهارتاقی به نسبت بزرگی با راهرو پیرامون است که بخش مرکزی آن با گنبد و راهروهای پیرامون آن با تاق آهنگ مسقف شده است.

در ترانسه‌های کاوش شده در خارج از آتشکده و در میان بقایای دوره اسلامی، پایه سنگی تراش خورده‌ای از دوره ساسانی به دست آمد که کاوشگران تصور می کنند روزگاری در آتشکده قرار داشته و بعدها به خارج از بنا منتقل شده است (خسروی و رشنو، ۱۳۹۱). این پایه از جنس سنگ آهک به رنگ کرم متمایل طوسی روشن با دانه بندی ریز ساخته شده است. پایه مزبور ۴۰ سانتی متر ارتفاع داشته و به صورت یکپارچه تراشیده شده و از قسمت پایه تا راس به شرح زیر



تصویر ۳۵. پایه ستون سنگی به دست آمده از اراضی پشت فرمانداری اسلام آباد غرب

تصویر ۳۶. طرح پایه ستون سنگی به دست آمده از اراضی پشت فرمانداری اسلام آباد غرب

و یک شالی ستون مدور به قطر ۴۲ و بخش مدور کوچک تری به قطر ۳۵ سانتی متر است که مجموع ارتفاع آنها ۱۴ سانتی متر اندازه گیری شده است (تصویر ۴۶ و ۴۷).

روستای مومنای حمیل

در سال ۱۳۸۰ از خاکبرداری محل شعبه نفت روستای مومنای حمیل شهرستان اسلام آباد غرب دو پایه سنگی به دست آمد که اکنون در اداره میراث فرهنگی اسلام آباد غرب نگهداری می شود

شیار تزئینی افقی صورت گرفته است. در مرکز شالی ستون و روی سطح فوقانی این پایه حفره ای به نسبت چهارگوش به ابعاد ۵×۵ با عمق سه سانتی متر ایجاد شده است (تصویر ۴۴ و ۴۵).

علاوه بر این یافته، پایه ستون سنگی دیگری که از سنگ آهک سفید تراشیده شده است طی خاکبرداری و تسطیح بخش غربی جاده به دست آمده است. این پایه ستون ۴۷×۴۷ سانتی متر ابعاد و ۴۰ سانتی متر بلندا دارد و متشکل از بخش مکعبی به بلندای ۲۶ سانتی متر در پایین



تصویر ۳۷. پایه ستون سنگی آشکار شده در محوطه شماره قدیمه تنگ منصورى اسلام آباد غرب

مطلوبی برخوردارند. نمونه نخست ۴۲×۴۲ سانتی متر ابعاد و ۴۳/۵ سانتی متر ارتفاع دارند. بخش پایینی این پایه متشکل از دو مکعب بزرگ و کوچک هستند که روی همدیگر قرار گرفته و بخش قرقه مانندی روی اینها واقع شده که همگی به شکل یک پارچه تراشیده شده اند. مکعب پایینی ۴۲×۴۲ ابعاد و ۱۲ سانتی متر ارتفاع دارد

(تصویر ۵۰-۴۸). این دو پایه به نسبت مشابه هم و قابل مقایسه با نمونه های به دست آمده از آتشکده میل میله گه هستند. این پایه های سنگی از سنگ آهک کرم متمایل به نخودی تراشیده شده و دانه بندی بسیار ریزی ندارند، به طوری که گویی دارای سطحی اندک زبر هستند. باین حال این پایه ها به خوبی تراش خورده و از کیفیت تراش



تصویر ۳۸. پایه ستون‌ها و سایر اجزای ستون‌های سنگی آشکار شده در محوطه شماره قدیمه تنگ منصوری اسلام‌آباد غرب، (عکس پایین سمت راست از خانم دکتر طیبه حاتمی نساری)

و مکعب کوچک‌تر ۴۰×۴۰ سانتی‌متر ابعاد و $۴۱/۵ \times ۴۰$ ابعاد و ۱۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد و مکعب کوچک‌تر ۳۹×۴۰ سانتی‌متر ابعاد و $۵/۵$ سانتی‌متر ارتفاع دارد. بخش قرقره مانندی که بر روی این مکعب‌ها قرار گرفته در بخش میانی ۳۲ سانتی‌متر قطر دارد. ارتفاع این بخش مجموعاً ۳۰ سانتی‌متر است. بر سطح فوقانی بخش قرقره مانندی که در واقع یک شالی به قطر ۴۰ سانتی‌متر است، صفحه نازکی به قطر ۲۸ سانتی‌متر وجود دارد که حفرة چهارگوشی به ابعاد ۵×۵ سانتی‌متر و به عمق حدود ۴ سانتی‌متر در آن تعبیه شده است. با توجه به مشابهت این دو پایه سنگی با نمونه‌های مکشوفه از آتشکده میل میله‌گه، پلنگ‌گرد و شیان می‌توان اینها را متعلق به دوره ساسانی دانست. با این اوصاف ممکن است بستر باستان‌شناختی کشف این پایه‌ها نیز با نمونه‌های پیش گفته یکی باشد. یعنی در محل کشف این دو

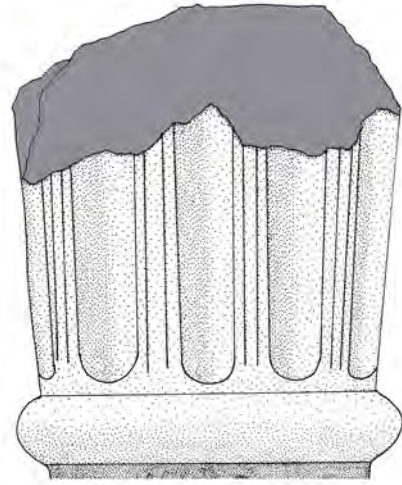
دومین نمونه نیز از لحاظ شکل و ریخت مشابه نمونه نخست است و تفاوت‌های شکلی کمی با آن دارد. این نمونه $۴۰ \times ۴۱/۵$ سانتی‌متر ابعاد و ۴۶ سانتی‌متر ارتفاع دارند. بخش پایینی این پایه متشکل از دو مکعب بزرگ و کوچک هستند که روی همدیگر قرار گرفته و بخش قرقره مانندی که بر روی اینها واقع شده و همگی به شکل یک پارچه تراشیده شده‌اند. مکعب پایینی

دومین نمونه نیز از لحاظ شکل و ریخت مشابه نمونه نخست است و تفاوت‌های شکلی کمی با آن دارد. این نمونه $۴۰ \times ۴۱/۵$ سانتی‌متر ابعاد و ۴۶ سانتی‌متر ارتفاع دارند. بخش پایینی این پایه متشکل از دو مکعب بزرگ و کوچک هستند که روی همدیگر قرار گرفته و بخش قرقره مانندی که بر روی اینها واقع شده و همگی به شکل یک پارچه تراشیده شده‌اند. مکعب پایینی

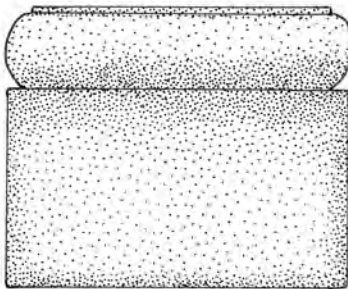
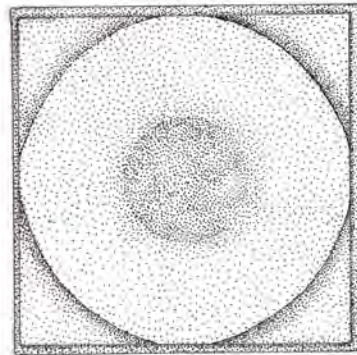
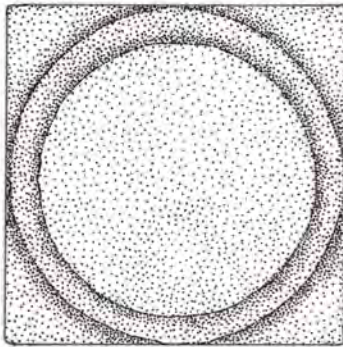
پایه سنگی در روستای مومناي نیز به احتمال یک آتشکده مدفون است (برای بحث در این رابطه ن.ک: بخش: تحلیلی بر کارکرد پایه‌های سنگی در انتهای مقاله).

روستای شوهان سفلی

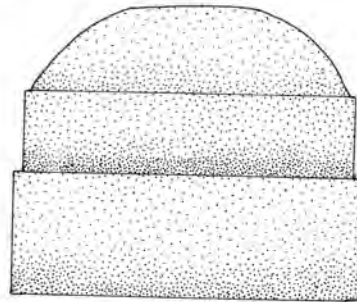
در زیر بافت روستای شوهان سفلی در دشت میانکوهی شبان بقایای محوطه‌ای به قطر ۱۵۰ و ارتفاع حدود ۴ متر وجود دارد که در بررسی منطقه به دوره اشکانی منتسب شده است (رزمپوش، ۱۳۸۸: ۳۴۱-۳۳۴). در سال ۱۳۹۰ شهرام علیاری پایه سنگی را در این روستا مشاهده و سپس در همان سال به اتفاق خسروی و علی بیگی مستندنگاری کرد. در سال ۱۴۰۰ نیز مشخص گردید دو پایه سنگی دیگر نیز در حیاط یکی



تصویر ۳۹. طرح سرستون سنگی؟ محوطه شاره قدیمه تنگ منصوری اسلام آباد غرب



5 Cm



5 Cm

تصویر ۴۰. پایه ستون‌های سنگی روستای شاهداغ اسلام آباد غرب



تصویر ۴۱. پایه سنگی محوطه شیان (رضوانی ۱۳۸۵)

مرکز این بخش مدور فرو رفتگی مدوری به قطر ۵ و عمق سه سانتی متر وجود دارد (تصویر ۵۱). متاسفانه از بستر باستان‌شناختی کشف این یافته اطلاع نداریم و فقط براساس الگوی حجاری آن شاید بتوان آن را مربوط به دوره ساسانی دانست. الگوی حجاری این پایه سنگی مشابه نمونه‌های به دست آمده از آتشکده‌های پلنگ‌گرد، شیان و میل‌میله‌گه است و از این رو بعید نیست که بتوان تصور کرد این پایه سنگی روزی در یک آتشکده دوره ساسانی قرار داشته است.

علاوه بر اینها دو پایه سنگی دیگر هم از این محوطه به دست آمده است (تصویر ۵۳-۵۲). این دو نیز از سنگ آهک سفید متمایل به کرم و به شکل یکپارچه تراشیده شده است. نخستین اینها متشکل از دو مکعب روی هم و شالی مدوری بر روی اینهاست. مکعب پائین ۴۱×۴۱ ابعاد و ۱۱ سانتی متر ارتفاع دارد و بر روی آن مکعب

از خانه‌ها درون بافت روستا وجود دارد که البته با پایه پیشین کاملاً متفاوت بودند.

پایه سنگی نخست از سنگ آهک سفید متمایل به کرم تراشیده شده و ۴۳×۴۳ سانتی متر ابعاد و ۴۴ سانتی متر ارتفاع دارد. پایه دارای بخش مکعبی شکلی در پایین به ابعاد ۴۳×۴۳ و ارتفاع ۸ سانتی متر است که مکعب کوچک‌تری به ابعاد ۳۸×۳۸ و ارتفاع $۶/۵$ بر روی آن قرار گرفته است. بر روی این دو مکعب شالی مدور به قطر ۳۸ و ارتفاع ۶ سانتی متر قرار گرفته است. در ادامه و بر این شالی ستون بخش تقریباً استوانه‌ای شکلی به قطر ۳۴ و ارتفاع $۱۶/۵$ سانتی متر قرار گرفته که سطح آن در بالا و پایین با دو نوار برجسته و حد فاصل این دو نوار با چهار نوار فرو رفته کم عمق تزئین شده است. بر روی این بخش استوانه‌ای صفحه مدوری چون یک شالی قرار گرفته که ۳۷ سانتی متر قطر و ۶ سانتی متر ارتفاع دارد. در



تصویر ۴۲. پایه سنگی محوطه میل میله گه (Moradi, 2016: 89, Fig. 23)

قطر ۳۷ و ارتفاع ۱۲ سانتی متر قرار گرفته است. بخش هایی از این شالی شکسته و تقریباً نیمی از آن موجود است. روی این شالی نیز دو نوار کنده موازی کم عمق و باریک نقر شده است. در سطح بالایی شالی فرورفتگی چهار گوشه به ابعاد ۵×۵ و عمق ۴ سانتی متر وجود دارد. با اینکه این دو پایه شباهت های نزدیکی با هم دارد، اما دقیقاً یکی نیستند.

هرچند در بررسی رزمپوش ظاهراً از این محوطه سفال دوره اشکانی به دست آمده است، اما با توجه به شکل و فرم پایه های سنگی حداقل نباید در مورد قدمت نخستین پایه به دوره ساسانی تردید کرد.

نمونه توقیفی از حمیل

در سال ۱۳۹۹ نیروی انتظامی بخش حمیل از خودرویی در منطقه حمیل پایه سنگی

کوچک تری به ابعاد ۳۸×۳۸ و ۷ سانتی متر ارتفاع است. بر روی این دو مکعب شالی مدوری به قطر ۳۶ و ارتفاع ۹ سانتی متر قرار گرفته که بر روی آن دو نوار کنده موازی کم عمق و باریک نقر شده است. سپس یک صفحه مدور کوچک تری به ارتفاع ۲ سانتی متر بر بالاترین سطح این پایه تراشیده شده است. در سطح بالایی شالی فرورفتگی چهار گوشه به ابعاد ۵×۵ و عمق ۴ سانتی متر وجود دارد.

پایه ستون دیگر نیز شکلی بسیار مشابه با نمونه پیشین دارد با این تفاوت که این نمونه فاقد شالی دو تکه است. این پایه سنگی نیز متشکل از دو مکعب روی هم و شالی مدوری بر روی اینهاست. مکعب پائین ۴۰×۴۰ ابعاد و ۱۵ سانتی متر ارتفاع دارد و بر روی آن مکعب کوچک تری به ابعاد ۳۷×۳۷ و ۶ سانتی متر ارتفاع است. بر روی این دو مکعب شالی مدوری به

آخر ۴۳/۵ سانتی متر قطر و ۱۹ سانتی متر ارتفاع و بخش شالی مانند آن ۵۱ سانتی متر قطر دارد. بر سطح این پایه شیارهای افقی ایجاد شده که ۴ سانتی متر عرض دارند (تصویر ۵۵).

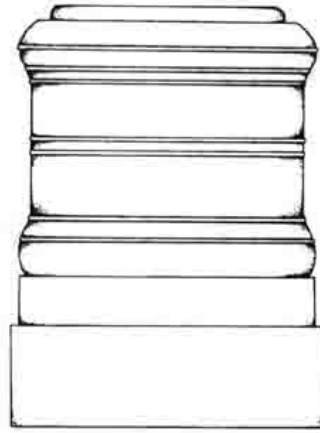
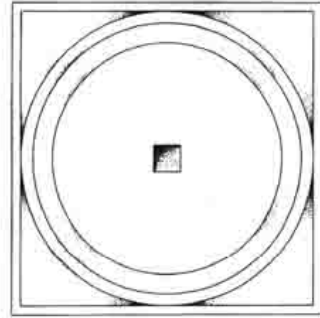
دبیرستان شهید آوینی

در بخش غربی شهر اسلام‌آباد غرب در میان حیاط دبیرستان شهید آوینی و در مجاورت پله‌های ورودی ساختمان دو پایه سنگی وجود دارد که مشخص نیست چه زمانی و از چه مکانی به اینجا منتقل شده‌اند. اکنون هر دوی آنها با الگوی پرچم ایران با سه رنگ سبز، سفید و قرمز با رنگ روغنی رنگ آمیزی شده‌اند (تصاویر ۵۶-۵۷). پوشش رنگی در برخی از قسمت‌ها به مرور از بین رفته و براساس بررسی وضعیت این بخش‌ها مشخص است که این دو پایه از سنگ آهک سفید متمایل به کرم با دانه‌بندی ریز تراشیده شده‌اند. این پایه‌ها متشکل از دو بخش مکعبی بر روی هم و بخش قرقه مانند استوانه‌ای روی آنهاست. ابعاد کلی پایه نخست ۵۵×۵۳ سانتی متر و ارتفاع آن ۶۲ سانتی متر است. نمونه دوم در بخش پایه ۵۵×۵۳ سانتی متر ابعاد و ۶۳ سانتی متر ارتفاع دارد. این پایه‌ها نیز از گونه گروه سوم پایه‌های سنگی مورد بررسی در این تحقیق هستند که نمونه‌های آنها از میل میله‌گه، پلنگ‌گرد و برخی دیگر از محوطه‌های منطقه اسلام‌آباد غرب به دست آمده‌اند.

ر. گیلانغرب

روستای چشمه غلامی گواور

در روستای چشمه غلامی گواور شهرستان گیلانغرب تپه کوچکی وجود دارد که در سال ۱۳۹۴ یک پایه سنگی از آن به دست آمده است. این پایه سنگی به نسبت بزرگ مشابه نمونه‌های آتشکده میل میله‌گه و سایر محوطه‌های شهرستان



0 20 Cm

تصویر ۴۳. طرح پایه سنگی محوطه میل میله‌گه (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۷۵، طرح ۴)

ضبط کرد که به گفته حاملان آن از دشت حمیل - هرسم به دست آمده بود. این پایه سنگی از سنگ آهک سفید متمایل به کرم به شکل یکپارچه تراشیده شده و درست از گونه پایه‌های سنگی میل میله‌گه است (تصویر ۵۴). ابعاد این پایه در بخش تحتانی ۵۲×۵۲ سانتی متر و ارتفاع کلی آن ۶۸ سانتی متر است. این پایه متشکل از دو مکعب بزرگ و کوچک به ابعاد ۵۲×۵۲ و ۵۰×۵۰ سانتی متر و ارتفاع ۲۰ و ۷ سانتی متر هستند که بخش قرقه مانندی به ارتفاع ۴۱ سانتی متر بر آن قرار گرفته است. بخش میانی این قسمت

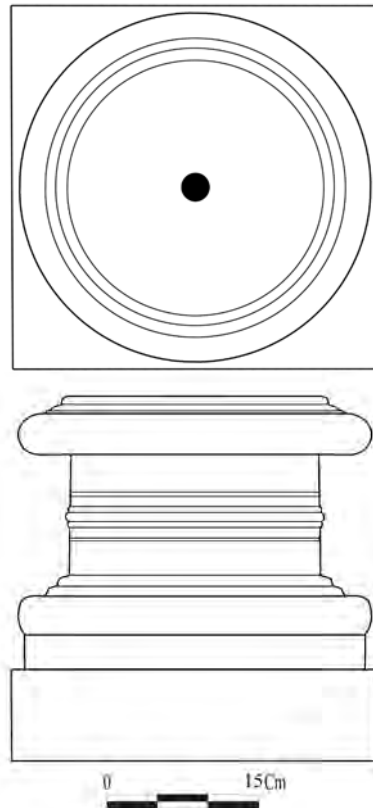


تصویر ۴۴. پایه سنگی محوطه پلنگ‌گرد (خسروی و رشنو، ۱۳۹۱)

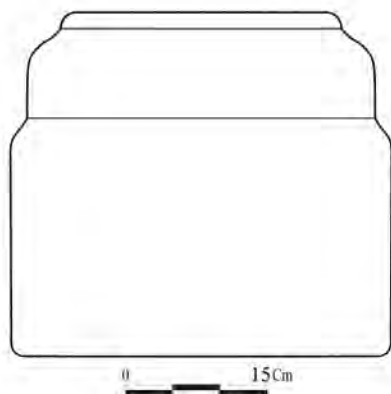
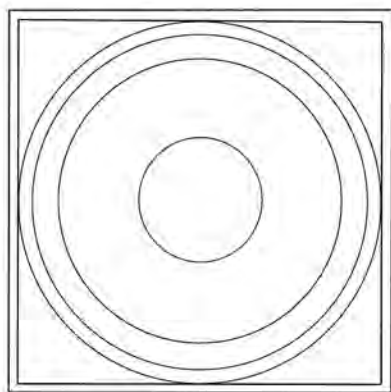
اسلام‌آباد غرب است. مکان کشف این پایه، تپه کوچکی مربوط به دوره ساسانی در مجاورت روستاست که به احتمال بقایای یک آتشکده را در خود جای داده است. پایه سنگی به دست آمده از این مکان از سنگ آهک کرم متمایل به نخودی تراشیده شده که در پایین ۵۲×۵۲ سانتی متر ابعاد و مجموعاً ۶۸ سانتی متر بلندا دارد (تصویر ۵۸ و ۵۹). این پایه نیز متشکل از دو مکعب بزرگ و کوچک مجموعاً به ارتفاع ۲۵ سانتی متر در پایین، شالی مدوری به بلندای ۸ سانتی متر بر روی آن و بخش استوانه‌ای شکلی به ارتفاع ۲۵ بر روی آنهاست. در نهایت صفحه مدوری به ارتفاع ۱۰ سانتی متر بر بالای این اجزا قرار گرفته است.

بحث و تحلیلی بر کارکرد یافته‌ها

الگوی معماری ستوندار در غرب ایران از دوره آهن در محوطه‌های چون حسنلو، باباجان، نوشی‌جان، گودین و زیویه در نیمه غربی ایران پدیدار گردیده است. با توجه به نتایج کاوش‌های باستان‌شناختی در اغلب محوطه‌هایی که



تصویر ۴۵. طرح پایه ستون سنگی محوطه پلنگ‌گرد (خسروی و رشنو، ۱۳۹۱)



تصویر ۴۶. پایه ستون سنگی محوطه پلنگ‌گرد (خسروی و رشنو، ۱۳۹۱)

تصویر ۴۷. طرح پایه سنگی محوطه پلنگ‌گرد (خسروی و رشنو، ۱۳۹۱)

باشد که بتوان در بررسی و کاوش آنها بقایای ستون و پایه‌ستون مشاهده کرد. در خانه‌های سادهٔ موسوم به خانهٔ ایرانی که اغلب ایوان کوچکی برای نشیمن‌های تابستانی دارند و یا بخشی از آن برای انجام برخی از امور خارج از اتاق نشیمن استفاده می‌شود، معمولاً سقف ایوان با ستون چوبی محکمی استوار می‌شد و معمولاً پایه‌ستون قطعه سنگ ساده تراش نخورده‌ای بود که در زیر ستون چوبی قرار می‌گرفت. نتایج کاوش‌های باستان‌شناختی نشان می‌دهد که پایه‌ستون‌های تراش‌خورده از دورهٔ آهن و دورهٔ هخامنشی گرفته تا دوره‌های اشکانی و ساسانی اغلب در کاخ‌ها

پایه‌ستون و اصولاً اجزاء معماری ستوندار آشکار گردیده، می‌دانیم که ستون‌های سقف ایوان‌های تخت یا تالارهای ستوندار را نگه می‌داشته است. آن‌گونه که مدارک باستان‌شناختی نشان می‌دهد محوطه‌های دارای ستون و پایه‌ستون از گذشته‌های دور تا پایان دورهٔ ساسانی شامل کاخ‌های حکومتی، خانه‌های حاکم‌نشین و مجموعه‌ای فراتر از اقامتگاه‌های روستایی و خانه‌های مردم عادی بوده است. درواقع در معماری سادهٔ روستایی به چنین اجزایی نیاز نبوده است و اصولاً انتظار نمی‌رود در خانه‌های محقر روستایی، تالار و ایوان ستوندار جایگاهی داشته

در این پژوهش شمار فراوانی پایه سنگی دوران تاریخی که از بخش‌های مختلف استان کرمانشاه به دست آمده مورد مطالعه قرار گرفت. این پایه‌ها با اشکال متنوع و ابعاد مختلف الگوهای گوناگونی در طراحی و تراش پایه‌های سنگی را نشان می‌دهند. با توجه به دانسته‌های پیشین در خصوص پایه‌ستون‌های مکشوفه از منطقه غرب ایران به نظر می‌رسد گونه ساده دو طبقه متشکل از یک پایه مکعبی در پایین و یک شالی مدور بر روی آن، که در ابعاد و اندازه‌های مختلفی و به صورت یکپارچه تراشیده شده، رایج‌ترین شکل پایه‌ستون‌های سنگی منطقه کرمانشاه است (گروه نخست). آنگونه که پیداست از نظر زمانی نمی‌توان پایه‌های سنگی که خارج از بافت باستان‌شناختی خود به دست آمده‌اند را به طور دقیق تاریخ‌گذاری کرد و به دلیل تنوع بالای آنها، مقایسه گونه‌شناختی خاصی میان آنها صورت داد، اما می‌توان به کمک سایر مواد فرهنگی که از بررسی آن محوطه‌ها به دست آمده اطلاعات مهمی در خصوص تاریخ نسبی اغلب این نمونه‌ها به دست آورد. هرچند اغلب یافته‌های مورد بحث در این مقاله از بررسی‌های باستان‌شناختی یا در نتیجه کشفیات اتفاقی به دست آمده و چیزی از بستر باستان‌شناسی دقیق اغلب این یافته‌ها نمی‌دانیم، اما ابعاد و اندازه محوطه‌ها و موقعیت کلی آنها در چشم‌انداز طبیعی منطقه نشان می‌دهد که به احتمال این محوطه‌ها اغلب در بردارنده گونه‌ای خاص از بقایای ساختمانی در منطقه هستند. این بررسی نشان می‌دهد احتمال کمتری وجود دارد که پایه‌ستون‌های کوچک، که اغلب از نظر هنر سنگ‌تراشی در سطح بالایی نیستند و به خوبی پرداخت و صیقل نشده‌اند؛ مربوط به بناهای فاخر و حکومتی باشند، در عوض احتمال اینکه به خانه‌های اشرافی و خانه‌های خان‌ها متعلق باشند، بیشتر است. این موضوع را ابعاد و اندازه



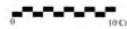
0 10 Cm

تصویر ۴۸. پایه سنگی روستای مومناي حمیل، اسلام‌آباد غرب

و بناهای مجلل یا در نیایشگاه‌های آن دوران بر پا می‌شده است. به اینها باید خانه‌های اشراف و خان‌ها محلی و حاکمان منطقه‌ای را افزود که اغلب آنها را با نام خانه‌های اربابی می‌شناسیم. با این حال می‌دانیم که در معماری دوره اسلامی و حتی در دوره‌های متاخر یعنی معماری دوره‌های زندیه، قاجاریه و پهلوی هم از ستون، پایه‌ستون و سرستون سنگی استفاده شده است و حتی در بافت‌های مسکونی در محوطه‌های غیر شهری در مواردی پایه‌ستون‌های سنگی مشاهده و گزارش شده است (ن.ک: مرادی، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

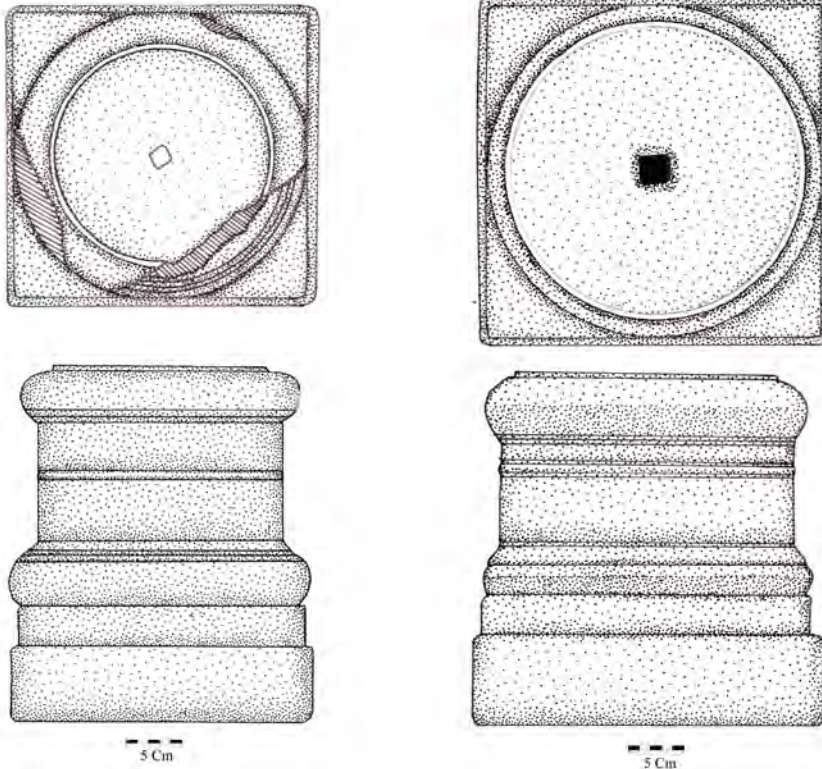
می توانسته به عنوان خانه های اشرافی و یا خانه های بیلاقی خان ها کاربرد داشته باشند. شاید عمارت عمادالدوله حاکم کرمانشاه در تاق بستان (Lus-chey, 1979)، عمارت امین الله خان ناصری در داربید منصوری، عمارت محمدولی خان گوران (یاسمی) در گهواره، قلای عسگرخان سنجابی در کوزران و عمارت عبدالحسین خان ابوقدره در کهره هلیلان مثال های مناسبی برای درک کارکرد این محوطه ها باشد. با این حال معترف هستیم تا زمان انجام کاوش های باستان شناختی چنین پیشنهاداتی باید فقط به عنوان یک فرض اولیه و پیشنهاد مورد توجه قرار گیرد.

در مقابل، کیفیت تراش و ابعاد و اندازه بقایای ستون ها در برخی محوطه ها چون محوطه خیابان گمرک کرمانشاه نشان می دهد که ما به احتمال با یک بنای فاخر حکومتی روبه رو هستیم (گروه دوم) که ستون های آن از نظر کیفیت تراش و آماده سازی همچون ستون های بنایی چون بنای بزرگ کنگاور است که به احتمال فراوان بقایای کاخی حکومتی از اواخر دوره ساسانی است (Azarnoush, 1981; 2009; Alibaigi, 2017). هر دوی این محوطه ها نشان می دهد که ابعاد و کیفیت تراش ستون ها و پایه ستون های آنها متفاوت از محوطه هایی است که از نظر نگارندگان در دسته خانه های اربابی قرار می گیرند، همچون جوب خاتون در سنقر و کلیایی (خانمرادی، ۱۳۹۷). همین وضعیت درباره سرستون های نگاره دار ساسانی بیستون و محوطه حسن و حسین شیان و یافته های محوطه شاره قدیمه تنگ منصوری نیز صادق است. در واقع کیفیت بسیار بالا و ابعاد آنها نشان می دهد که علاوه بر اینکه به بناهای بزرگ و مجللی تعلق داشته اند، بلکه به احتمال به دستور حکومت و برای افراد حکومتی ساخته شده اند. از این رو به نظر می رسد ابعاد و اندازه و کیفیت تراش ستون ها و پایه ستون ها در محوطه ای چون



تصویر ۴۹. پایه سنگی روستای مومناهی حمیل، اسلام آباد غرب

محوطه ها نیز تا حدودی تأیید می کند. اغلب این پایه ها به نسبت کوچک از محوطه هایی نه چندان بزرگی به دست آمده که از نظر موقعیت طبیعی در چشم اندازی خوش آب و هوا در نزدیکی کوهپایه ها و چشمه های پر آب قرار گرفته و موقعیت آنها لزوماً وابستگی خاصی به اراضی کشاورزی و راه های اصلی نشان نمی دهند. این موضوع نشان می دهد که این محوطه ها به احتمال



تصویر ۵۰. طرح پایه‌های سنگی روستای مومناي حميل، اسلام‌آباد غرب

خیابان گمرک کرمانشاه (که سرستون نگاره‌داری از خسرو دوم هم از ۲۰۰ متری شمال آن به دست آمده) به شکلی است که می‌توان آن را متعلق به بنایی حکومتی نامید، اما در عوض همان‌گونه که از نتایج کاوش‌ها نیز بر می‌آید، پایه‌ستون‌های محوطهٔ جوب خاتون، به احتمال متعلق به اقامتگاه تابستانی یک خان یا حاکم محلی در منطقه است. گروهی از پایه‌های سنگی به دست آمده از آتشکده‌های غرب ایران چون میل‌میله‌گه، شیان و پلنگ‌گرد و برخی چون نمونهٔ به‌دست آمده از روستای شوهان سفلی، روستای مومناي و دبیرستان شهید آوینی اسلام‌آباد غرب دستهٔ مجزایی از پایه‌های سنگی را نشان می‌دهند که نه‌تنها از نظر شکل و اندازه، بلکه به احتمال از نظر

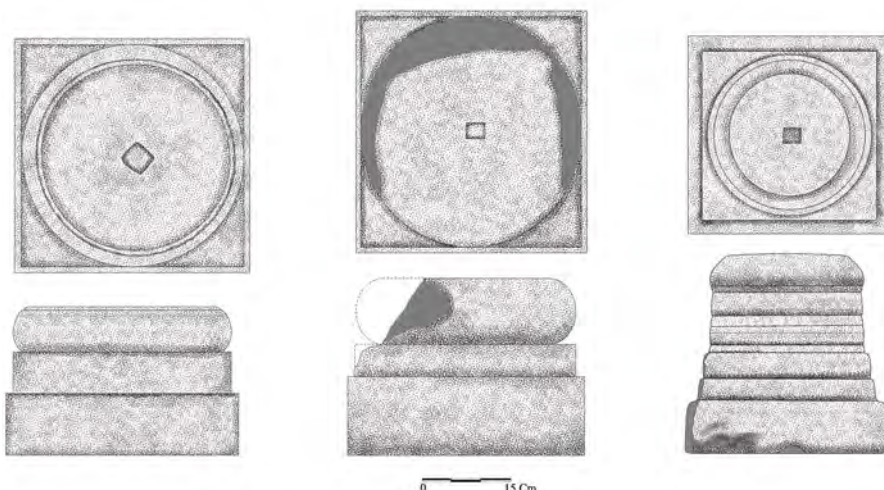


0 15 Cm

تصویر ۵۱. پایه سنگی روستای شوهان سفلی، اسلام‌آباد غرب



تصویر ۵۲. پایه ستون‌های سنگی روستای شوهان سفلی، اسلام‌آباد غرب



تصویر ۵۳. طرح پایه سنگی و پایه ستون‌های روستای شوهان سفلی، اسلام‌آباد غرب

حساب آورد. یوسف مرادی در مقاله خود در تحلیل چرایی وجود پایه‌های سنگی در چهارتاقی میل‌میل‌گه چنین آورده است: «از آنجاکه هیچ یک از این پایه‌ها در جای خود قرار ندارند لذا در مورد کارکرد واقعی آنها نیز تردیدهایی وجود دارد. به نظر می‌رسد این پایه‌ها یکی از سه کارکرد زیر را داشته‌اند؛ پایه‌ستون، پایه آتشدان و یا اینکه در اصل پایه‌ستون بوده ولی بعدها از آن به عنوان پایه آتشدان استفاده کرده‌اند. صرف نظر از

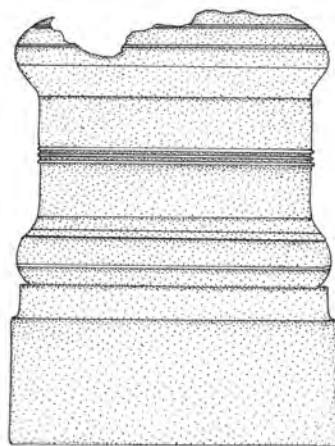
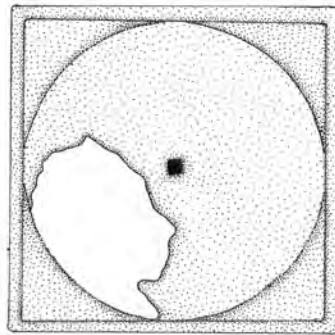
کارکرد هم دارای تفاوت‌های بارزی با نمونه‌هایی بوده‌اند که به عنوان پایه‌ستون به کار می‌رفته‌اند (گروه سوم). این دسته از پایه‌های سنگی تنها در آتشکده‌ها به دست آمده و از مکانی چون تالارها و ایوان‌های ستوندار، خانه‌های اربابی و ... نمونه‌هایی از آنها گزارش نشده است. از این رو منطقی است تصور کنیم این نمونه‌ها به احتمال ارتباط ویژه‌ای با بستر کشف‌شان دارند و باید آنها را گونه خاصی از پایه‌های سنگی به



تصویر ۵۴. پایه سنگی توقیفی در حمیل، اسلام آباد غرب

اینکه این پایه‌ها در اصل مربوط به خود بنا بوده و یا اینکه از محوطه دیگری به این چهارتاقی منتقل شده‌اند، حضور آنها هم در آتشکده شیان و هم در چهارتاقی میل میله‌گه جای بحث فراوان دارد. زیرا اگر در این بنا از آنها به عنوان پایه‌ستون استفاده کرده باشند، محل قرارگیری آنها مشخص نیست و اصولاً چنین بناهایی نیاز به ستون ندارند و اگر آتشدان بودن آنها را بپذیریم، تعداد زیاد آنها جای بحث دارد» (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۶۱). وی در ادامه می‌نویسد: «متأسفانه بر ما روشن نیست که از این پایه‌ها در دوره حیات آتشکده‌های میل میله‌گه و شیان چگونه استفاده می‌شده‌اند، هرچه که باشد ارتباط آنها با آتشکده‌ها حائز اهمیت است» (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۶۱).

مرادی به درستی پی‌برده است که بنای گنبدداری چون چهارتاقی میل میله‌گه یا آتشکده‌ای چون شیان که با گنبد و تاق‌های آهنگ مسقف می‌شده نیاز به ستون و پایه‌ستون نداشته، اما دیگر فرض وی که این پایه‌های سنگی را پایه آتشدان دانسته نیز پذیرفتنی نیست. درواقع با کشف پایه سنگی مشابهی در پلنگ‌گرد



0 15 Cm

تصویر ۵۵. طرح پایه سنگی توقیفی در حمیل، اسلام آباد غرب

در اطراف سکوه‌های آتشکده‌هایی چون تَرنگ تپه (دنه، ۱۳۸۵؛ Boucharlat & Lecomte, 1987: Pl. 126; Boucharlat 1985) و گچ داور (Mora-di and Keall, 2020: Fig. 8) کارکرد مشابه همین پایه‌های سنگی داشته‌اند. با این تفاسیر به نظر می‌رسد همه پایه‌های سنگی به دست آمده از غرب ایران پایه‌ستون نیستند و نباید آنها را همچون نمونه‌های رایج در معماری ستون‌دار، پایه‌ستون‌های مورد استفاده در ایوان‌ها و تالارهای ستوندار به حساب آورد. اگر این تحلیل درست باشد به نظر می‌رسد حتی پایه‌های سنگی به دست آمده از امامزاده حاصل ظالمی علامرودشت که هاینس گابه آنها را سرستون (Gaupe, 1980: Tafel 31, 3)، و عسگری چاوردی آنها را پایه آتشدان خوانده (عسگری چاوردی، ۱۳۹۰: ۳۰-۲۸؛ ۱۳۹۲: ۴۱۰)، اگر پایه دُنبکاهو نباشند (ن.ک: Khosravi et al., 2018) به احتمال همچون نمونه‌های مورد بحث در این مقاله پایه‌های سنگی بخش مرکزی آتشکده‌های ساسانی بوده‌اند.

با اینکه در ویرانه‌های رَوَدگه عباس‌علی روستای گرکو در الشتر لرستان (ایزدپناه، ۱۳۷۶ ب: ۲۶۹، ۳۳۳، تصویر ۱۲) که ایزدپناه آن را بقایای آتشکده آروخش مورد اشاره متون می‌خواند (ایزدپناه، ۱۳۷۶ ب: ۲۶۹)؛ پایه آتشدان سنگی به دست نیامده، اما بعید نیست پایه سنگی میان این ویرانه کوچک که همچنان تقدس خود را حفظ کرده را بتوان بقایای آتشکده‌ای از دوره ساسانی به حساب آورد.^۱ به اینها می‌توان چهارتاقی محمدآباد دشتستان در بوشهر را افزود.

و نمونه‌های متعدد دیگری از همان سبک، باید تحلیلی جایگزین برای وجود پایه‌های سنگی مکشوفه از آتشکده‌های شیان و میل میله‌گه در غرب ایران ارائه کرد. در نبود مدارک کافی در ایران، بررسی یافته‌های حاصل از کاوش آتشکده سرخ‌کُتل (Schippmann, 1971: 495, Abb. 82) بسیار راهگشاست. در کاوش‌های این نیایشگاه چهار مورد پایه سنگی در بخش مرکزی آتشکده به صورت درجا به دست آمده است. در اتاق A مجموعه آتشکده تخت سلیمان بخش تحتانی چهار نمونه از این پایه‌های سنگی (ناومان، ۱۳۸۲: ۵۴-۵۵؛ تصاویر ۲۶-۲۵) و در اتاق B در چهار گوشه حوضچه مرکزی آتشکده که محل قرارگیری پایه آتشدان مرکزی بنا بوده چهار فرو رفتگی مربع شکل وجود دارد (همان، ۵۷: تصویر ۲۸)، که به احتمال مکانی برای قرارگیری پایه‌های سنگی مشابه دیگر آتشکده‌های ساسانی به ویژه سُرُخ کُتل بوده‌اند (تصویر ۶۰). با نگاهی به کشف پایه‌های سنگی در آتشکده‌هایی چون سرخ کُتل، میل میله‌گه، شیان و پلنگ‌گرد و رد آنها در آتشکده تخت سلیمان منطقی نیست تصور کنیم همه این پایه‌ها روزی در بناهای ستونداری قرار داشته و پس از ویرانی به آتشکده‌ها منتقل شده باشند، یا اینکه همه اینها پایه‌های آتشدان بوده‌اند. در واقع کشفیات در برخی از نیایشگاه‌های دوره ساسانی حاکی از این است که این پایه‌های سنگی به شکل چهارگانه در اطراف بخش مرکزی آتشکده‌های روزگار ساسانی قرار می‌گرفته است. بعید نیست بخش‌های برجسته ستون مانند

۱ این اثر ویرانه‌های بنای کوچکی است که از لاشه‌سنگ و گچ ساخته شده و همچون آتشکده‌های منطقه اسلام‌آباد غرب دارای پایه‌های سنگی است. با توجه به ابعاد و اندازه محوطه، میزان آوار و ویرانه‌های آن، پایه‌های سنگی نمی‌توانسته مربوط به یک بنای ستوندار بوده باشد. با توجه با دلایلی که پیشتر بحث شد، بعید نیست که این مکان بقایای یک آتشکده و پایه‌های سنگی آن پایه‌های سنگی مشابه پایه‌های سنگی آتشکده‌های سرخ کُتل، میل میله‌گه، شیان و پلنگ‌گرد باشد. با این حال برای اطمینان از این موضوع باید منتظر کاوش‌های باستان‌شناختی در این مکان ماند. نگارندگان در خصوص این همانی رودگه علی‌عباس با آتشکده آروخش که موضوع این مقاله هم نیست، مطالعاتی انجام نداده و درباره آن اظهار نظر نمی‌کنند. برخلاف ایزدپناه، حیدری و مترجم در مقاله‌ای بنای امامزاده محمدی در شمال الشتر را آتشکده آروخش می‌دانند (حیدری و مترجم، ۱۳۹۷).



تصویر ۵۶. پایه سنگی شماره ۱ دبیرستان شهید آوینی اسلام‌آباد غرب (راست)



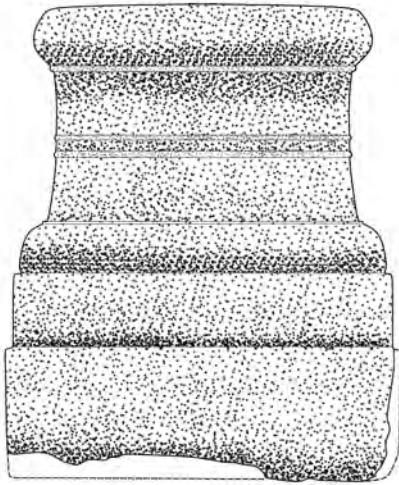
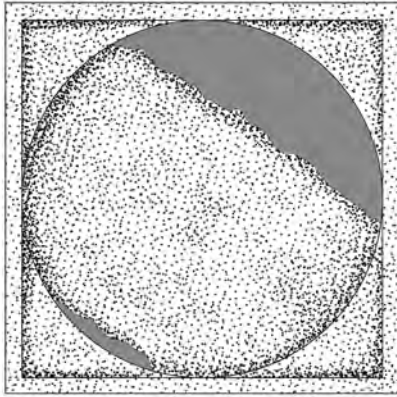
تصویر ۵۷. پایه سنگی شماره ۲ دبیرستان شهید آوینی اسلام‌آباد غرب (چپ)

برآیند

باوجود اینکه از محل کشف شمار زیادی از پایه‌ستون‌ها، ساقه‌ستون‌ها و سرستون‌ها مورد بحث اطلاع داریم، اما تاکنون اطلاعاتی از بناهای یادمانی یا خانه‌های اشرافی مرتبط با آنها به دست نیامده است. بررسی‌های و کشفیات تازه در کنار کشفیات و کاوش‌های پیشین نشان می‌دهد که در جای‌جای استان کرمانشاه بقایای ویرانه‌های مهمی وجود دارد که دارای معماری ستوندار بوده و کاربری‌های گوناگونی، به احتمال از کاخ و معبد گرفته تا خانه‌های اربابی داشته‌اند. نگاهی به ابعاد و اندازه پایه‌های سنگی به دست آمده از منطقه نشان می‌دهد که ستون‌سازی در منطقه الگوی استاندارد و کاملاً مشخصی نداشته و معماران

در نقشه چهارتاقی محمدآباد درست در گوشه جنوب‌شرقی سکوی مرکزی بنا، اثری نشان داده شده که به احتمال یک پایه‌سنگی/ گچی یا رد و اثر آن است (یغمایی، ۱۳۹۴، شکل ۲). متأسفانه توصیف دقیقی از این اثر ارائه نشده، اما موقعیت آن یادآور محل قرارگیری پایه‌های سنگی در سُرخ‌کُتل و به احتمال محل آن پایه‌ها در اتاق B تخت سلیمان است. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که شماری از پایه‌های سنگی، به ویژه آنهایی که دارای پهنای کمتر و ساقه باریک‌تری هستند و اغلب از آتشکده‌ها به دست می‌آیند^۱ کاربردی به عنوان پایه‌ستون و نگهدارنده سقف نداشته‌اند، بلکه به احتمال کارکرد خاصی داشته‌اند که در حال حاضر بر ما پوشیده است.

۱ شمار زیادی از آتشکده‌های باستانی به شکل فضایی با ایوان ستوندار بوده‌اند که در اغلب موارد پایه‌ستون‌هایی در ابتدای ورودی ایوان آنها قرار می‌گرفته است (Schipmann, 1971: 497, Abb. 83). اما در اینجا یعنی استان کرمانشاه و غرب ایران پایه‌های سنگی در چهارتاقی‌ها و به‌ویژه در نمونه‌های پلنگ‌گرد و میل‌میله‌گه در چهارتاقی دارای دالان طواف به دست آمده است. از این رو نباید این دست از پایه‌های سنگی را متعلق به ایوان‌های ستوندار دانست، چرا که اصولاً چنین بناهایی فاقد ایوان‌های ستوندار بوده‌اند.



0 15 Cm

تصویر ۵۹. طرح پایه سنگی روستای چشمه غلامی گاور، گیلانغرب

به ارتفاع خود باریک تر هستند، کارکردی غیر از پایه ستون داشته و تنها در آتشکده های دوره ساسانی کاربرد داشته اند. این نمونه ها معمولاً چهار نمونه پایه سنگی هستند که در فضای درونی آتشکده های ساسانی و درست در کنار حوضچه یا سکوی بخش مرکزی بنا قرار می گرفته اند. به نظر می رسد این گونه پایه ها نه تنها در آتشکده های

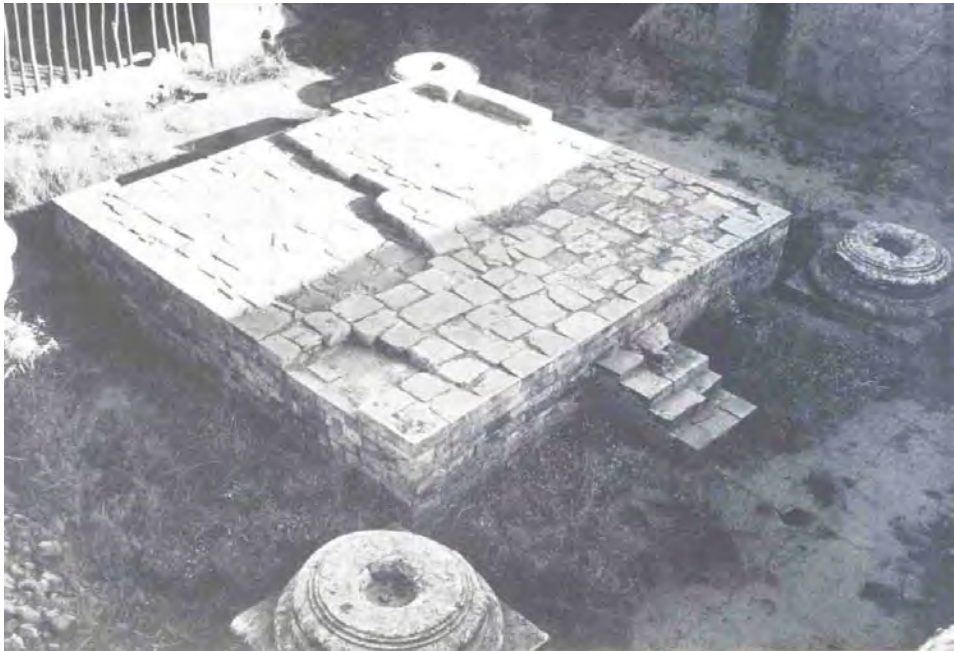


15 Cm

تصویر ۵۸. پایه سنگی روستای چشمه غلامی گاور، گیلانغرب

دوره تاریخی منطقه اغلب بنا بر ابعاد و اندازه بنای مورد نیاز خود، با در نظر داشتن پیمون بنا و با محاسبات گوناگون دست به تراش پایه ستون ها، ساقه ستون ها و سرستون ها متنوعی می زده اند که رایج ترین آنها متشکل از یک پایه مکعب در پایین و یک شالی مدور بر فراز آن است. آنچه که مشخص است اغلب بناهای ستون دار منطقه کرمانشاه از نظر زمانی مربوط به دوره اشکانی و ساسانی هستند و می توان اشاره کرد که علاوه بر معماری گنبددار، بناهای ستون دار که میراث عصر آهن و دوره ماد و هخامنشی در کوهستان زاگرس و غرب ایران است نیز در این روزگار مرسوم بوده است.

همان گونه که پیشتر نیز بحث شد، همه پایه های سنگی به دست آمده از منطقه پایه ستون به معنای رایج خود نیستند، بلکه گروهی از آنها که اغلب ساقه نچندان ضخیمی دارند و نسبت



تصویر ۶۰. آتشکده سرخ کتل، پایه‌های سنگی چهارگانه در مرکز نیایشگاه
(Schippmann, 1971: 495, Abb. 82)

ساسانی کرمانشاه، بلکه در لرستان، شمال غرب ایران و همچنین افغانستان رایج بوده‌اند.

سپاسگزاری

پیش و بیش از همه از خانم دکتر شکوه خسروی برای در اختیار نهادن اطلاعات و طرح و تصویر پایه‌های سنگی پلنگ‌گرد، همراهی در بررسی محوطه‌ها و همچنین خواندن این مقاله و کمک به ارتقاء این نوشته سپاسگزاریم. نگارندگان مایلند از خانم‌ها الهام افکاری و دکتر طیبه حاتمی‌نصاری برای در اختیار نهادن برخی از تصاویر و اطلاعات ارائه شده در این مقاله قدردانی نمایند. همچنین مایلیم از آقایان نورالله کریمی و خانم فرحناز فتحی برای در اختیار نهادن اطلاعاتی در مورد پایه‌ستون‌های مکشوفه در روستاهای چشمه غلامی و سرخک سنجابی سپاسگزاری نماییم. نگارندگان با گزارش آقای

فتح‌الله شاهمرادی از کشف پایه‌ستون‌های کانی خنان اطلاع یافتند، از ایشان بسیار سپاسگزاریم. همچنین از آقای میلاد شاهمرادی برای طراحی فنی اولیه پایه‌ستون‌های این محوطه کمال قدردانی و سپاسگزاری را داریم. از آقای بهنام قنبری برای طراحی و عکاسی پایه ستون روستای سیمانی، از آقای حسین چراغی آقا برای پردازش رایانه‌ای تصاویر برخی پایه ستون‌های مورد استفاده در این مقاله، از آقای رضا عزیزی برای تهیه تصاویر هوایی و از آقای دکتر حمزه قبادی‌زاده برای تهیه نقشه این مقاله و از آقای دکتر ایرج رضایی برای کمک‌هایش سپاسگزاریم. اگر کمک‌های آقای محسن تقی‌بیگی در میراث فرهنگی اسلام‌آباد غرب نبود، مستندنگاری پایه‌های سنگی در انبار اداره میراث فرهنگی اسلام‌آباد نیز ممکن نبود، از ایشان بسیار سپاسگزاریم.

کتاب‌نامه

باستان‌شناختی شهرستان اسلام‌آباد غرب، فصل دوم: بازنگری دشت اسلام‌آباد غرب، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه، (منتشر نشده).

رضوانی، حسن (۱۳۸۵). آتشکده شیان، بروشور منتشر شده توسط پایگاه میراث فرهنگی محور ساسانی کرمانشاه قصرشیرین.

رهر، مهدی (۱۳۸۲). کاوش‌های باستان‌شناسی خورهه، تهران: مدیریت میراث فرهنگی استان مرکزی.

رهر، مهدی و سجاد علی بیگی (۱۳۸۸). «سرستون ناتمام (۴) نویافته دوره ساسانی در بیستون»، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال اول، شماره دوم: ۸۲-۹۱.

رهر، مهدی و سجاد علی بیگی (۱۳۹۰). «گزارش پژوهش‌های باستان‌شناختی به منظور مکان‌یابی معبد لاندیسه در نهاوند»، مجله پیام باستان‌شناسی، سال هشتم، بهار و تابستان، شماره ۱۵: ۱۳۳-۱۶۰.

سرفراز، علی‌اکبر، محمدرحیم صراف و اسماعیل (احسان) یغمایی (۱۳۴۷). بررسی استان کرمانشاهان، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).

علی بیگی، سجاد (۱۳۹۴). گزارش بررسی باستان‌شناسی منطقه سرپل ذهاب (قطعات ۱۰-۴ طرح گرمسیری)، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

علی بیگی، سجاد و خسروی، شکوه (۱۳۹۸). «پیشنهادی برای کارکرد پایه‌های سنگی کوچک مکشوف از محوطه‌های اشکانی و ساسانی بر اساس گنجبری‌های بندیان درگز»، در آفرین‌نامه، مقاله‌های باستان‌شناسی در نکوداشت استاد مهدی رهر، به کوشش یوسف مرادی، با همکاری سوزان کنتن، ادوارد جان کیل و رسول بروجنی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری: ۲۶۲-۲۵۵.

عسگری چاوردی، علیرضا (۱۳۸۹). «مدارکی از جنوب فارس در زمینه تکریم آتش در ایران باستان»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال بیست و پنجم، شماره اول، شماره پیاپی ۴۹: ۲۷-۳۹.

عسگری چاوردی، علیرضا (۱۳۹۲). پژوهش‌های باستان‌شناسی کرانه‌های خلیج فارس، شهرستان‌های لامرد و مَهر، فارس، شیراز: دانشگاه هنر شیراز.

فن دراوستن، هانس هینینگ و رودلف ناومان (۱۳۷۳). تخت سلیمان، ترجمه فرامرز نجدسمیعی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان میراث فرهنگی کشور.

کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۸۶). کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و احیاء معماری معبد آناهیتا کنگاور و تاق گرا، ج ۲، گنجینه‌های یافته‌شده از کاوش‌ها، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.

الف) فارسی

استروناخ، دیوید و مایکل ژف (۱۳۹۰). نوشیجان ۱، بناهای بزرگ دوره ماد، ترجمه کاظم ملازاده، همدان: دانشگاه بوعلی‌سینا.

ایزدینپناه، حمید (۱۳۷۶ الف). آثار باستانی و تاریخی لرستان، جلد دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ایزدینپناه، حمید (۱۳۷۶ ب). آثار باستانی و تاریخی لرستان، جلد سوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

پشاش کنزق، رسول (۱۳۸۱). «کتابخانه تازه‌ای از اردشیر دوم هخامنشی در تپه هگمتانه»، نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی ۷۰-۷۶: ۱.

پیتون، پیتر، صراف، محمدرحیم و جان کرتیس (۱۳۸۵). «پایه‌ستون‌های کتیبه‌دار همدان»، ترجمه منیژه اذکایی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال بیستم، شماره اول و دوم، شماره پیاپی ۴۰ و ۳۹: ۵۱-۶۶.

حاتمی نصاری، طیبه (۱۳۹۰). گزارش فصل هشتم بررسی و شناسایی شهرستان شیروان چرداول، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، (منتشر نشده).

حیدری، مهدی و مترجم، عباس (۱۳۹۷). «آتشکده اروخش (بنای امامزاده محمدی) شاهدهی دیگر از شهر باستانی الشتر»، مجله مطالعات ایرانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال شانزدهم، شماره ۳۳: ۹۷-۱۱۳.

خانمرادی، مژگان (۱۳۹۷). «کاوش محوطه جوب خاتون سنقر»، در گزارش‌های شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات کوتاه ۱۳۹۷)، به کوشش روح‌الله شیرازی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص: ۱۵۵-۱۵۸.

خسروی، شکوه و اصغر رشو (۱۳۹۱). گزارش کاوش اضطراری تپه پلنگ‌گرد شهرستان اسلام‌آباد غرب، استان کرمانشاه، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه (منتشر نشده).

دمرگان، ژاک (۱۳۳۸). هیات علمی فرانسه در ایران، مطالعات جغرافیایی، جلد دوم، ترجمه کاظم ودیعی، تبریز: چهر. دینه، ژان (۱۳۹۰). آتشکده‌ای از دوره اسلامی در ترنگ‌تپه، در آتش در خاور نزدیک باستان، ابعاد زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، فنی و ادبی، زیر نظر توفیق فهرد و دیگران، ترجمه محمدرضا جواد، تهران: ماهی: ۵۳-۷۰.

رزمپوش، عباس (۱۳۸۸). گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان اسلام‌آباد غرب (فصل دوم: دهستان حمیل)، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه، (منتشر نشده).

رزمپوش، عباس (۱۳۸۸). گزارش بررسی و شناسایی

لوشای، هاینتس (۱۳۸۵). «سرستون‌های ساسانی»، در بیستون، کاوشها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۱-۱۲۹.

لوشای، هاینتس (۱۳۸۵). «برکه چشمه و تپه «K»»، در بیستون، کاوشها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، ۱۴۱-۱۳۷.

لوشای، هاینتس (۱۳۸۵). «محوطه‌های باستانی همجواری با بیستون»، در بیستون، کاوشها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، ۴۱۳-۴۰۳.

مرادی، یوسف (۱۳۸۲). «سرستون‌های نویافته دوره ساسانی در کرمانشاه: بازشناسی اسب سوار ایوان بزرگ طاق‌بستان و ایزدان سرستون‌های ساسانی»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال هفدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۳۱، ۲۳-۳۶.

مرادی، یوسف (۱۳۸۳). «سرستون‌های نگاره‌دار دوره ساسانی در تاق‌بستان»، در مجموعه مقالات دومین همایش ایران‌شناسی، هنر و باستان‌شناسی، تهران، بنیاد ایران‌شناسی: ۵۴۸-۵۶۵.

مرادی، یوسف (۱۳۸۸). «چهارطاقی میل‌میلگه: آتشکده‌ای از دوره ساسانی»، مطالعات باستان‌شناسی، شماره نخست: ۱۵۵-۱۸۳.

مرادی، یوسف (۱۳۹۱). «بازنگری در کاربری و گاهنگاری بنای چهارستونی شمال آتشکده تخت سلیمان»، باستان‌شناسی و تاریخ، سال بیست و پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی ۵۰: ۱۵۶-۱۶۶.

معمدی، نصرت‌اله (۱۳۷۶). «زیویه، کاوش‌های سال ۱۳۷۴: معماری و شرح سفال»، گزارش‌های باستان‌شناسی ۱: ۱۷۰-۱۴۳.

مهریار، محمد و احمد کبیری (۱۳۸۴). ادامه کنکاش‌ها در معبد آناهیتا کنگاور، کارنامه کاوش، پژوهش، ساماندهی و مرمت چهارمین گروه باستان‌شناسی از ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

ملازاده، کاظم (۱۳۹۱). بررسی، مطالعه و تاریخ‌گذاری پایه ستون تزئینی مکشوفه از منطقه بوکان، پژوهش‌های ایران‌شناسی ۲ (۲): ۸۸-۷۳.

ناومان، رودلف (۱۳۸۲). ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان

کرمانجانی (۱۳۸۳). «معرفی سرستون نویافته‌ای از دوره ساسانی»، در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، ۲۷-۳۰ خردادماه ۱۳۸۱، هنر و باستان‌شناسی، جلد دوم، تهران، بنیاد ایران‌شناسی: ۱۷۳-۱۹۱.

کلایس، ولفرام (۱۳۵۴). «گزارش سفرهای باستان‌شناسی سال ۱۹۷۱ در ایران»، در گزارش‌های باستان‌شناسی ایران، تالیف و تدوین هیئت باستان‌شناسان آلمانی، ترجمه سروش حبیبی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۳۳۱-۱۹۴.

کلایس، ولفرام (۱۳۹۷). تاریخ معماری ایران، ترجمه سامان خلیج‌نیا، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. کلایس، ولفرام (۱۳۸۵). «یادداشت‌های مربوط به گزارش‌ها و یافته‌های مربوط به دهکده بیستون»، در بیستون، کاوشها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی: ۳۹۳-۳۷۹.

گلزاری، مسعود (۱۳۵۷). کرمانشاهان-کردستان، مجلد اول، (شامل بناها و آثار تاریخی اسدآباد، کنگاور و صحنه)، تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی، شماره ۱۴۷.

گلزاری، مسعود و محمدحسین جلیلی (بی‌تا). کرمانشاهان باستان: از آغاز تا آخر سده سیزدهم هجری قمری، تهران: چاپخانه وزارت فرهنگ و هنر.

گوپنیک، هیلاری (۱۳۸۵). «ارگ مادی دوره گودین II»، در مسیر شاهراه، پژوهش‌های باستان‌شناختی در گودین تپه، زیر نظر هیلاری گوپنیک و میچل روئمن، ترجمه محمدامین میرقادر و هادی صبوری، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی-اسلامی): ۳۴۳-۲۶۷.

لطفی‌زاده، شهین (۱۳۷۹). «سرستون‌های تاق‌بستان»، در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، کرمان ایران ۲۵ تا ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۸، جلد سوم، به کوشش باقر ایت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۲۳۴-۱۷۵.

لوشای، ه. (۱۳۴۴). «حفریات بیستون»، ترجمه کیکاوس جهاننداری، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، دوره دوم، شماره اول: ۵۹-۴۶.

لوشای، هاینتس (۱۳۸۵ الف). «باستون ایونی»، در بیستون، کاوشها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی: ۸۱.

هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱). ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید باهنر کرمان.
 یغمایی، احسان (اسماعیل) (۱۳۹۴). «چهارتاقی محمدآباد، دشتستان/ برازجان»، باستان‌پژوهی، دور جدید، شماره ۱۶: ۵۸-۵۰.

سلیمان، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، چاپ دوم، تهران: معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث‌فرهنگی.
 نپتون، پیتر، صراف، محمدرحیم و جان کرتیس (۱۳۸۵). «پایه‌ستون‌های کتیبه‌دار همدان»، ترجمه منیژه اذکایی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال بیستم، شماره اول و دوم، شماره پیاپی ۴۰ و ۳۹: ۵۱-۶۶.

ب) نافرسی

- Alibaigi, S., (2017). "Additional Remark about the function of the so-called Anahita Temple monumental in Kangavar, Kermanshah: A clue to solve an old problem", *DABIR* 1(4): 8-14.
- Alibaigi, S., Aliyari, Sh., and N. Aminikhah (2020). "A new Ionic type capital from the Shiyan plain: Tracing an important monument of the Seleucid/Parthian periods near the Khorasan High Route, Kermanshah", in: *The Archaeology of Historical Period of Iran*, K. Niknami and A. Hozhabri (eds.), Pp. 209-218, Springer.
- Azarnoush, M., (1981). Excavation at Kangavar, *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, Band 14: 69 – 94.
- Azarnoush, M., (2009), *New Evidence on the Chronology of the "ANAHITA TEMPLE"*, *Iranica Antiqua*, XLIV, pp. 393-402.
- Bucharlat, R., (1985). Chahar Taq et Temple Du Sassanide: Quelques Remarques, in *De L'Indus aux Balkans, Recueil Jean Deshayes, Editions Recherche sur les civilisations*, Paris, Pp: 461-478.
- Bucharlat, R., and O. Lecomte (1987). *Fouilles de Tureng Tepe, Les periodes Sassanides et Islamiques*, Editions Recherche sur les civilisations, Paris.
- Calmeyer, P., (1978). "Das Grabrelief von Ravan-sar", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran* 11: 73-85.
- Dyson, R. H. (1977). "Architecture of the Iron I period at Hasanlu in Western Iran, and its implications for theories of migration on the Iranian plateau", Deshayes, J. (ed.), *Le Plateau Iranien et l'Asie Centrale des origines À la conquête islamique*, Colloques Internationaux du Centre National de la Recherche Scientifique 567, Paris, 155-170.
- Flandin, E., & P. Coste (1851). *Voyage en Perse*, Paris.
- Gaube, H., (1980). "Im Hinterland von Siraf: Das Tal von Galledar/Fal und seine Nachbargebiete", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran* 13: 139-166.
- Kleiss, W., (1983). Fundplätze Sasanidischen Kapitele in Venderni und in Kermanshah, *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, Band 16: 317-347.
- Hakemi, A., (1990). The Excavation of Khorhe, *East and West* 40 11-4(1): 11-41.
- Herzfeld, E., (1920). *Am Tor von Asien*, Felsendenkmäler aus Irans Heldenzeit. Berlin.
- Herzfeld, E., (1941). *Iran in the Ancient East*, Oxford University Press, London –New York.
- Huff, D., (1989). "Säulenbasen aus Deh Bozan und Taq-I Bustan", *Iranica Antiqua* 24: 285- 296.
- Khosravi, Sh., Alibaigi, S., and M. Rahbar (2018). "The Function of Gypsum bases in Sasanian Fire Temple: A different Proposal", *Iranica Antiqua*, 53: 171- 203.
- Litvinsky, B. A., & I. R. Pichikian (1998). The Ionic Capital From the temple of Oxus (Northern Bacteria), *Iranica Antiqua* 33: 233-58.
- Luschay, H., (1968). Zur Datierung der Sasanidischen kapitelle aus Bisutun und des Monuments Von Taq-e Bostan, *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, Band 1: pp. 129-142.
- Luschay, H., (1979). Das Qadjarisch Palais am Taq-i Bostan, *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, Band 12: pp. 395-414.
- Mann, O., (1903). Archäologisches aus Persian, *Globus* 83: 327-321.
- Moradi, Y., (2016). "on the Sasanian Fire Tempels: New Evidence of Čahār Tāq of Mil-e Milegah", *Parthica* 18: 73- 96.
- Moradi, Y and E.J. Keall (2020). "The Sasanian Fire Temple of Gach Davar: New Evidence", *IRAN* 58 (1): 27-40.
- Mousavi, A., (1989). "The Discovery of an Achaemenid Station at Deh Bozan, in Asadabad Valley", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran* 22: 135- 138 + Tafel 9-10.
- Mousavi, A., (1990). "Some Recently column bases from central western Iran", *Iranica Antiqua* 25: 165-172.


- Rahbar, M., (2006). "Historical Iranian and Greek Relations in Retrospect", in: Darbandi, M. R., & A. Zournatzi (eds.), *Ancient Greece and Ancient Iran Cross Cultural Encounters*, International Conference, Pp. 367-372.
- Rahbar, M., and S. Alibaigi (2009). The hunt for Laodicea, *Antiquity* 83, n° 322 (*Project Gallery*) (= <http://www.antiquity.ac.uk/projgall/alibaigi322/>).
- Rahbar, M., S. Alibaigi, E. Haerincq and B. Overlaet (2014). In Search of the Laodike Temple at Laodikiea Media/ Nahavand, Iran, *Iranica Antiqua XLIX*: 301-329.
- Schippmann, K., (1971). *Die iranischen Feuerheiligtümer*, Berlin.
- Young, T.C. Jr. (1966). "Thoughts on the Architecture of Hasanlu IV", *Iranica Antiqua* 6: 48-71.
- Von Gall, H., (1988). "Das Felsgrab von Qizqapan. Ein Denkmal Aus Dem Umfeld der Achämenidischen Königesstrasse", *Baghdader Mitteilungen* 19: 557-582.



© 2022 The Author(s). Published by Tissaphernes Archaeological Research Group, Tehran, Iran. [Open Access.](#)

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits non-commercial re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The ethical policy of Ancient Iranian Studies is based on the Committee on Publication Ethics (COPE) guidelines and complies with International Committee of Ancient Iranian Studies Editorial Board codes of conduct. Readers, authors, reviewers and editors should follow these ethical policies once working with Ancient Iranian Studies. The ethical policy of Ancient Iranian Studies is liable to determine which of the typical research papers or articles submitted to the journal should be published in the concerned issue. For information on this matter in publishing and ethical guidelines please visit www.publicationethics.org.


Some Clues of a Number of Manor Houses, Fire Temples and Governmental Buildings Belong to the Historical Period in the Kermanshah Province, Based on Analysis of New Finds Column Bases, Shafts and Stone Bases

Sajjad Alibaigi¹,  Shahram Aliyari², Naser Aminikhah¹, Farhad Fatahi¹

Abstract

This article dedicated to a number of stone column bases, shafts and stone bases belonging to the historical period that have been discovered during the last one or two decades from excavations, surveys and accidental discoveries in the Kermanshah province. In this article, based on an analytical-descriptive method and a comparative approach, we try to introduce these stone column bases, estimate their data as much as possible and evaluating their function regarding their geographical location and their archaeological context. Finally, we try to answer the question whether all the stone bases discovered from the Kermanshah region are column bases and belong to the columned buildings?, or probably had a function other than column bases?. However, due to the lack of publication of surveys results in most parts of the region, as well as the lack of excavations in most sites with stone bases, the importance and role of these sites is not understandable in the settlement models of the area and the nature of the buildings and the archaeological context of stone findings is not clear to us, but most likely the column bases of this study provide us clues of various buildings including governmental palaces to manor houses. On the other hand, regarding to findings of the Chahar Taq of Mil-e Milageh and the fire temple of Palang Gerd, as well as the stone bases discovered from the Fire Temple of Sorkh Kotal, it can be accepted that at least some of these stone bases do not have a function as column bases and are not related to the columned buildings, but probably Some of them have been used in the central spaces of the sacred sites such as Zoroastrian fire temples. It will certainly be difficult to understand this without considering the archaeological context of these findings, but it should be noted that stone bases outside of the archaeological context do not necessarily have to be assumed as column bases that have borne the ceiling. We admit, however, that if some of these stone bases had not been found in archaeological contexts such as fire temples, we would not able to distinguish between their functions as stone bases with specially usage in temples with the architectural usual column bases.

Keywords: Kermanshah, Column Base, Stone Base, Fire Temple, Columned Hall, Columned Ivan.

¹ Department of Archaeology, Razi University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author),  sadjadaliagi@gmail.com
² Cultural Heritage, Handicraft and Tourism office of Kermanshah Province, Kermanshah, Iran.

Article info: Received: 11 August 2021 | Accepted: 21 September 2021 | Published: 1 April 2022

Citation: Alibaigi, Sajjad, Shahram Aliyari, Naser Aminikhah, Farhad Fatahi (2022). "Some Clues of a Number of Manor Houses, Fire Temples and Governmental Buildings Belong to the Historical Period in the Kermanshah Province, Based on Analysis of New Finds Column Bases, Shafts and Stone Bases". *Ancient Iranian Studies*, Vol. 1 (1): 81-134.
<https://doi.org/10.22034/AIS.2022.146351>